

سید الشہداء
عبدالرحمن

مسابقہ کتابخوانی

غیر کلام

غدير گرام

گردآوری: ؟؟؟؟

ناشر:

شمارگان:

نوبت چاپ: اول / ۱۴۰۰

قیمت: تومان

شابک:

مسابقه کتابخوانی



فهرست مطالب

۹	فصل اول: احیای غدیر
۱۱	شعائر دین
۱۲	اطلاع رسانی واقعه غدیر
۱۳	شادی، در شادی اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۱۴	شادی در خورشان
۱۵	شادی عید غدیر
۱۶	ماه ولایت
۱۸	بازخواست از ولایت
۱۹	صراط ولایت
۲۰	عبادت بی ولایت
۲۱	درخت حسد
۲۳	منطقه ممنوعه
۲۴	آثار ولایت
۲۵	منذر و هادی
۲۶	عامل وحدت
۲۷	در راه ولایت
۲۸	میثاق ولایت
۳۰	ابلاغ رسالت

- ۳۱..... برترین اعیاد.....
- ۳۲..... نصرت امیر مؤمنان علیه السلام.....
- ۳۳..... انکار غدیر!.....
- ۳۳..... توصیه به ولایت در معراج.....
- ۳۴..... شخصیت والای امیرالمؤمنین علیه السلام.....
- ۳۶..... توجه به ایام غدیر و جشن مباحله.....
- ۳۷..... احیای غدیر و فضای مجازی.....
- ۳۸..... بیان عظمت غدیر در فضای مجازی.....
- ۴۱..... برترین روز در نزد خدای تعالی.....
- ۴۲..... امام رضا علیه السلام و بزرگداشت غدیر.....
- ۴۲..... خطبه هایی برای غدیر.....
- ۴۴..... بزرگداشت غدیر در بهشت.....
- ۴۵..... فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عید گرفتن روز غدیر.....
- ۴۶..... انفاق برای غدیر.....
- ۴۷..... نزول آیات ولایت و «هل اتی».....
- ۴۸..... نام و یاد علی علیه السلام.....
- ۴۹..... مجالس ذکر فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام.....
- ۵۰..... محبت علی علیه السلام.....
- ۵۱..... اساس دین.....
- ۵۳..... مجالس اهل بیت علیهم السلام.....
- ۵۴..... فرهنگ جهانی غدیر.....
- ۵۴..... غدیر و سبک زندگی.....
- ۵۶..... همراه با کاروان غدیر.....**
- ۵۸..... پیشینه کاروان های شادی غدیر.....
- ۵۹..... اولین کاروان غدیر در عالم خاکی.....
- ۶۰..... کاروان های پرشکوه ملانکه در آسمان.....
- ۶۰..... نخستین تجمع گسترده بشری پس از غدیر خم.....
- ۶۲..... حرکت کاروان غدیر در عراق.....

- استمرار جشن های غدیری تا به امروز ۶۳
- نظر مراجع عظام تقلید در باره کاروان های غدیری ۶۴**
- آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله ۶۴
- آیت الله وحید خراسانی رحمته الله ۶۵
- آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله ۶۶
- آثار و برکات برپایی کاروان غدیر ۶۶
- فصل دوم: آشنایی با ایام غدیریه ۶۹**
- صدور حدیث شریف سدّ الأبواب ۷۱
- بیان حدیث شریف ثقلین ۷۲
- ابلاغ سوره توبه (برائت) توسط امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۳
- عید سعید قربان ۷۴
- اعلان عمومی لقب امیرالمؤمنین برای حضرت علی علیه السلام ۷۶
- بخشش فدک به حضرت زهرا علیها السلام و نزول آیه ﴿آتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ ۷۷
- ميلاد امام هادی علیه السلام روز توجه به زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه ۷۸
- نزول آیه محبت (وَدِّ) در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام ۷۹
- نزول آیه تبلیغ (ابلاغ) ۸۰
- نزول آیه اکمال و اتمام ۸۱
- ایراد خطبه غدیر توسط رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ۸۲
- عید بزرگ غدیر نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه بلافصل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال ۸۳
- تأکید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حدیث منزلت ۸۴
- روز بیعت با امام زمان عجل الله فرجه ۸۵
- روز نصب جانشینان انبیاء الهی (عید ادیان) ۸۶
- تشریح نماز عید غدیر توسط رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ۸۷
- ميلاد امام موسی بن جعفر علیه السلام ۸۸
- معجزه غدیر و نزول آیه سأل سائل بغذاب واقع (هلاکت دشمن امیرالمؤمنین علیه السلام) ۸۹

- ۹۰..... روز صدور حدیث بساط (فرش پرنده)
- ۹۱..... روز نزول آیه اولی الامر.....
- ۹۲..... مصونیت پیامبر ﷺ در توطئه هرشا
- ۹۳..... عید بزرگ مباحله
- ۹۴..... نزول آیه تطهیر در جریان مباحله
- ۹۵..... نزول آیه ولایت و خاتم بخشی امیرالمؤمنین ﷺ
- ۹۶..... صدور حدیث شریف کساء در جریان مباحله
- ۹۷..... نزول سوره "هل أتى" در شأن پنج تن آل عبا ﷺ

فصل سوم: علی ﷺ؛ آفتاب ملکوت

- ۹۹.....
- ۱۰۱..... معنای زیارت
- ۱۰۳..... زیارت یعنی
- ۱۰۴..... جایگاه زیارت در آیات و روایات
- ۱۰۸..... توسل به اهل بیت از دیدگاه پیامبر ﷺ
- ۱۱۲..... زیارت از نگاه اهل بیت ﷺ
- ۱۱۳..... اهمیت زیارت امیرمؤمنان علی ﷺ
- ۱۱۵..... زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر
- ۱۱۶..... آداب زیارت
- ۱۲۰..... پیامها و پیامدهای زیارت
- ۱۲۱..... سند زیارت غدیریه
- ۱۲۳..... موقعیت امام هادی ﷺ و زیارت غدیریه
- ۱۲۸..... ویژگی های زیارت غدیریه

مسابقہ کتابخوانی



غیر کلام

فصل اول:

اصحیٰ غدیر



مسابقه کتابخوانی



احیای غدیر

شعائر دین

﴿وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱ و هرکس شعائر

الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.

کسی که حقیقتاً تقوا در قلب و وجودش جای گرفته باشد، شعائر دینی را بزرگ می‌شمارد و احیا می‌کند. دین را باید در همه جامعه و همه اقشار ظهور و بروز داد. بسیاری از احکام را نمی‌توان در خلوت به جا آورد. اعمال حج، نماز جمعه، و نماز جماعت باید علنی و در جمع باشد؛ چون این امور از احکام شعائری است و باید علنی برگزار کرد و در جامعه ظهور و بروز داشته باشد.

یکی از مهم‌ترین شعائر دینی برپا کردن جشن و سرور و مجالس شادی در روز عید غدیر است. باید با نام و یاد مولا امیرالمؤمنین علیه السلام شادی‌ها را به بچه‌ها و نسل‌های بعدی انتقال داد. البته باید از شعارهای تفرقه‌انگیز و از شادی‌های حرام پرهیز کرد.

اگر می‌خواهیم ایمان و تقوا در جامعه ما پرنسنگ شود، باید به احیا و

بزرگداشت غدیر اهمیت داد. عید غدیر ریشه و هویت مکتب ماست؛ باید تثبیت شود و به برگزاری هرچه باشکوه‌تر آن توجه ویژه‌ای داشت.

مقام معظم رهبری علیه السلام در بارهٔ مسألهٔ غدیر می‌فرمایند: «مسألهٔ امامت و مسألهٔ ولایت و زنده نگهداشتن غدیر، به یک معنا زنده نگهداشتن اسلام است. مسألهٔ فقط مسألهٔ شیعه و معتقدین به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیست. اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیرالمؤمنین علیه السلام حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم، هم خودمان درک کنیم، هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسألهٔ غدیر می‌تواند وحدت‌آفرین باشد.»^۱

اطلاع‌رسانی واقعهٔ غدیر

پیامبر عظیم‌الشان اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در خطبهٔ غدیر فرمودند:

فَلْيُبَلِّغِ الْحَاضِرَ الْغَائِبَ وَالْوَالِدَ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛^۲ باید تا برپایی

قیامت این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان برسانند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ پیام غدیر را بر همه واجب کردند؛ حاضران باید آن را به غائبان و پدران آن را به فرزندان برسانند. یعنی بذر محبت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را در دل‌ها بیفشانند. باید هرچه توان داریم در طبق اخلاص بگذاریم و برای معرفی غدیر هزینه کنیم.

همان‌گونه که به خواندن نماز اهمیت می‌دهیم، باید به بزرگداشت و

۱. سخنرانی مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۹۱/۰۸/۱۰.

۲. الإحتجاج، ج ۱، ص ۶۲؛ بحار الأنوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱.

معرفی غدیر هم اهمیت بدهیم. امر ولایت، اصل دین است. اصول دین از فروع دین مهم تر است.

پیامبر خدا ﷺ بدون امکانات سه روز مردم را در غدیر خم، زیر آفتاب نگه داشتند، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی کردند و فرمودند: افرادی که شاهد هستند واجب است به غائبین برسانند. پدرها وظیفه دارند جریان غدیر را به فرزندانشان برسانند. این تنها وظیفه شاهدان در غدیر خم نبود، بلکه وظیفه هر مسلمانی تا روز قیامت همین است. با برگزاری مسابقات و ترغیب و تشویق جوانان به خواندن و حفظ کردن و تحلیل و بررسی واقعه غدیر در سراسر کشور، می توان گامی بلند در این جهت برداشت.

شادی، در شادی اهل بیت علیهم السلام

در روایات ما برای شیعیان علائم و نشانه‌هایی بیان شده است. یکی از نشانه‌ها شاد بودن در ایام شادی اهل بیت علیهم السلام است. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَظْلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَأَخْتَارَنَا وَ اخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ
نِصْرُونَنَا وَيَفْرَحُونَ لَفَرْحَتَنَا وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا؛ خداوند تبارک و تعالی،
توجهی به زمین نمود. پس ما را برگزید و برای ما پیروانی انتخاب
نمود که ما را یاری کنند، با شادی ما شاد باشند و در غم ما
غمگین باشند.

اگر ما دوست، یا فامیل، یا عزیزی داریم که در غم و شادی او هیچ مشارکتی

نداریم، قطعاً دوست و آشنا و فامیل او نیستیم. اگر مدعی هستیم که شیعه و دوستدار اهل بیت علیهم السلام هستیم، اما در غم و شادی آن‌ها بی تفاوتیم، این ادعای دروغی است. علامت شیعیان و دوستان اهل بیت علیهم السلام این است که در غم و شادی آن‌ها شریک باشند و با آنان همراهی و همدلی کنند.

شادی در خورشان

دین اسلام به شادی و نشاط اجتماعی در جای خودش، همچنین به سوگواری، آن هم در جای خودش تأکید دارد. در کشور ما به موضوع شادی و نشاط اجتماعی توجه کمتری می‌شود. باید نشاط و شادی را به دیگران انتقال دهیم. گسترش شادی و نشاط به دیگران از بالاترین عبادت‌هاست.

شرط تشیع و شیعه بودن «**يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا، وَيَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا**» است. تا حدودی برنامه‌های حزن و اندوه و روضه خوانی را اجرا کرده‌ایم، نه این‌که حقش را ادا کرده باشیم. اگر برای اربعین، محرم، صفر، فاطمیه و ایام شهادت اهل بیت علیهم السلام کاری کردیم، ذره‌ای از حق آن‌ها را ادا کرده‌ایم. اما در جهت شادی و جشن و سرور ولادت اهل بیت علیهم السلام و عیدها واقعاً کم گذاشته‌ایم.

جالب است که «**يَفْرَحُونَ**» بر «**يَحْزَنُونَ**» مقدم شده است! فرح و شادی در شادی اهل بیت را بر حزن و اندوه برای آنان مقدم کرده است. نباید به گونه‌ای جلوه کند که دین ما فقط دین گریه است.

البته گریه و عزاداری برای مصائب اهل بیت علیهم السلام در جای خودش بهترین ثواب و پاداش‌ها را دارد. با اهل بیت علیهم السلام پیوند محکم ایجاد می‌کند. اما نباید شادی‌ها در عید غدیر و ایام تولد اهل بیت علیهم السلام و جشن‌ها و عیدها به حاشیه



برود. باید آن‌ها را هم پرننگ کرد.

باید برای این جشن‌ها و شادی‌ها هم موقوفات و نذوراتی قرار داد. بعضی‌ها فکر می‌کنند که اگر مثلاً برای عزا و روضه نذر و وقف کنند یا خرج کنند، ثوابش بیشتر است. در صورتی که این‌طور نیست. هزینه کردن برای جشن‌های اهل بیت علیهم‌السلام اگر ثوابش بیشتر از هزینه برای عزاداری آنان نباشد کمتر نیست. به خصوص که جامعه و جوانان و نوجوانان ما نیاز بیشتری به شادی و نشاط دارند.

باید به موازات برنامه‌های روضه و عزاداری، برنامه‌های شادی را هم کمّاً و کیفیاً بیشتر کنیم. البته شادی‌ها باید حلال و در خور شأن اهل بیت علیهم‌السلام باشد. هرکس هر توانی دارد برای مولا امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام ارائه بدهد تا این مراسم احیا شود.

شادی عید غدیر

چون عید غدیر بزرگ‌ترین عید دینی ماست، بسیار بجاست که آن را تنها یک روز برگزار نکنیم، دست‌کم سه روز، و اگر شد یک دهه برگزار کنیم. همان‌طور که دو ماه محرم و صفر را در عزای امام حسین علیه‌السلام به سوگ می‌نشینیم، چند روزی هم جشن و شادی عید غدیر را برگزار کنیم.

قطعاً جریان عید غدیر از همه حوادث دوران عمر پیغمبر و اهل بیت علیهم‌السلام بالاتر است. ما در باره غدیر کوتاه آمده‌ایم؛ از این رو مصائب سنگین بر حضرت زهرا علیه‌السلام و امام حسین علیه‌السلام و اهل بیت علیهم‌السلام وارد شد. باید همان‌طور که عاشورا را پر شور و هیجان برگزار می‌کنیم، بر اساس دستور اهل بیت علیهم‌السلام عید غدیر

را هم هرچه با شکوه‌تر و با عظمت‌تر برگزار کنیم. غدیر را باید جهانی کنیم. روز غدیر خم روز اعلان رسمی امامت و رهبری و پیشوایی مولا امیرالمؤمنین علی علیه السلام و مهم‌ترین عید ماست که از آن به «عید الله الاکبر»، یعنی عید بزرگ خدای متعال تعبیر شده است. بر اساس روایات همه انبیا مأمور بودند تا این روز بزرگ را عید بگیرند.

روزی بالاتراز عید غدیر خم در عالم نداریم. حتی از عید قربان و عید فطر و عید جمعه و ایام ولادت اهل بیت علیهم السلام بالاتر است. در روایات بر تعظیم و بزرگداشت این عید بسیار تأکید شده است. امام رضا علیه السلام در بیان فضیلت روز غدیر فرمودند:

لَوْ عَرَفَ النَّاسُ فَضْلَ هَذَا الْيَوْمِ بِحَقِيقَتِهِ لَصَافَحَتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ فِي كُلِّ يَوْمٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ؛ اگر مردم، فضیلت حقیقی این روز را می‌دانستند، فرشتگان در هر روز، ده بار با آنان مصافحه می‌کردند.

این تعبیر برای هیچ عیدی نیامده است. غدیر یک عید جهانی و فراگیر است. همه انبیای گذشته نیز این روز را جشن می‌گرفتند. از زمان حضرت آدم علیه السلام تا زمان پیغمبر ما همه انبیا مأمور بودند تا این روز را جشن بگیرند.

ماه ولایت

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه در جایی فرموده بودند: ماه ذیحجه در رابطه با اهل بیت علیهم السلام به خصوص علی بن ابی‌طالب علیه السلام این قدر مناسبت دارد که خوب است این ماه را ماه ولایت بنامیم. زمانی عده‌ای این ایام را به عنوان دهه

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۴، ح ۵۲؛ الإقبال، ج ۲، ص ۲۶۹.

مطرح کردند، گروهی آن را به عنوان پانزده روز شاد آسمانی مطرح کردند، اما ایشان فرمودند: همه ماه ذیحجه را باید گرامی داشت و آن را شهر الولایه، یعنی ماه ولایت نامید.^۱

چون آغاز این ماه با ازدواج امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز شده و رخداد‌های مهمی در باره اهل بیت علیهم السلام در این ماه تحقق پیدا کرده است، باید این ماه را به عنوان سنتی حسنه احیا کرد. زمانی بود که اعتکاف با تعداد بسیار اندکی برگزار می‌شد. اما الآن با ده‌ها هزار نفر برگزار می‌شود و سال به سال بر جمعیت معتکفین افزوده می‌شود. این ظرفیت به این مهمی در مملکت ما وجود دارد و ما کوتاهی می‌کنیم.

خداوند در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾^۲ تعداد ماه‌ها نزد خداوند در کتاب الهی، از آن روز که آسمان‌ها و زمین را آفریده، دوازده ماه است.

از اول خلقت آن را دوازده ماه قرار دادیم. این مطلب خیلی مهم نیست. حقیقت این آیه چیز دیگری است. باطن این آیه دوازده امام علیهم السلام هستند، نه یکی کمتر است و نه یکی بیشتر. هر ماهی به نام یک امام است؛ چنان‌که امام باقر علیه السلام در روایتی در تأویل این آیه به این نکته تصریح فرموده‌اند.^۳

۱. سخنرانی در جمع عده‌ای از مردم ۱۳۶۸ / ۱۱ / ۴.

۲. سوره توبه، آیه ۳۶.

۳. الغیبه (للطوسی)، ص ۱۴۹.

بازخواست از ولایت

حضرت امام باقر علیه السلام فرمودند:

بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ،
وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ؛^۱ اسلام بر پنج چیز بنا شده است:
بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت، و به هیچ چیزی به اندازه
ولایت، فرا خوانده نشده است.

از هیچ چیز مانند ولایت بازخواست نمی شود. محل اختلاف و هجمه
دشمن هم آنجاست. از این رو از ولایت بیشتر بازخواست می شود. شیطان
گفت:

﴿لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ﴾؛^۲ من بر سر راه مستقیم تو، در
برابر آن ها کمین می کنم!

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

وَالصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؛^۳ صراط مستقیم
امیرالمؤمنین علیه السلام است.

شیطان بر سر صراط مستقیم می ایستد تا مردم را از آن باز دارد. می بینیم که
چگونه وهابی ها با اهل ولایت مقابله می کنند. می بینیم که صهیونیست ها
چگونه با فرهنگ شیعه دشمنی می کنند. این ها با شیاطین هم همدست
هستند و با هم همکاری می کنند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۸، ح ۳.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۶.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۳۳.

صراط ولایت

صراط مستقیمی که می‌تواند دنیا را اداره کند و مشکلات را حل کند، ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است. در زیارت جامعه می‌خوانیم:

بِوَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا؛
خداوند، به ولایت شما، نشانه‌های روشن دین را به ما آموخت و آنچه را از دنیایمان تباه شده بود، اصلاح کرد.

اگر ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را پذیرفتید، خدا معلم شما می‌شود. آیا از این بهتر می‌خواهید؟ چرا از این نکته مهم غافلیم؟! کسانی که دست از ولایت اهل بیت علیهم‌السلام کشیدند و امیرالمؤمنین علیه‌السلام را رها کردند، در گمراهی به سر می‌برند و راه را گم کرده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وَاللَّهِ مَا بَقِيَ فِي أَيَدِهِمْ شَيْءٌ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا اسْتَقْبَالَ الْكَعْبَةَ فَقَطَّ؛ به خدا سوگند چیزی از حق برایشان باقی نمانده، جز رو کردن به سمت کعبه.

آن‌ها بهره‌ای از دین به جز رو کردن به قبله ندارند. این‌ها مشمول نفرین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در غدیر واقع شدند، آنجا که فرمودند:

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَحِبَّ مَنْ أَحَبَّهُ، وَأَبْغَضَ مَنْ أَبْغَضَهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَأَخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ؛ ۱ بار خدایا! با دوست علی دوست باش و با دشمن او دشمن؛ هر که او را دوست می‌دارد، دوستش بدار و هر که او را مبغوض می‌دارد، مبغوضش

۱. الفصول المهمة، ج ۱، ص ۵۷۸.

۲. تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۲۱۹، ح ۸۷۱۳، عن زید بن أرقم.

بدار و هر که او را یاری می‌کند، یاری اش کن و هر که او را وا می‌گذارد، او را وا گذار!

این نفرین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را جدی بگیرید. هم دعا فرمودند و هم نفرین کردند. فرمودند: «وَإِخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ». خذلان نه این است که فردی را چوب بزنی؛ خذلان یعنی این که کسی را رها کنی. خذلان یعنی دست از ولایت کشیدن. یعنی امیرالمؤمنین و یازده امام دیگر را رها کردن. یعنی این که ولایت را تبلیغ نکنی و بگویی به من چه ربطی دارد! باید سینه چاک کرد و با قلم و بیان از اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دفاع کرد. اگر این گونه نبودیم، یعنی خذلان.

عبادت بی ولایت

این که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در روایت فوق فرمودند: «بهره آنان از دین فقط استقبال قبله است»، یعنی تمام عباداتشان باد هواست. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند:

أَمَّا لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلُهُ وَصَامَ نَهَارُهُ وَتَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَحَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيَهُ وَيَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بَدَلًا لَيْتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَعَزْحَقُّ فِي ثَوَابِهِ وَلَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ؛ آگاه باشید! اگر مردی همه شب به نماز برخیزد، و روزش را روزه بدارد، و همه مال خود را در راه خدا انفاق کند، و پیوسته به زیارت خانه خدا رود، و از ولایت ولی خدا آگاه نباشد تا از او پیروی کند و همه اعمالش به راهنمایی او باشد، چنین کسی را حق پاداشی

از خدا به خاطر همه آنچه کرده است نیست، و نیز از اهل ایمان به شمار نمی‌رود.

درخت حسد

جایگاه ولایت به گونه‌ای است که خدای تعالی در باره آن با هیچ کس، حتی انبیای خود تعارف ندارد. روایات فراوان داریم که اگر انبیا در اینجا ذره‌ای مکث می‌کردند، گرفتار می‌شدند.

در کتاب «عیون اخبار الرضا (ع)»، از عبد السلام هروی روایت شده است که گفت: به حضرت رضا (ع) عرضه داشتم: یا ابن رسول الله، از درختی که آدم و حوا از آن خوردند برایم بگو، تا ببینم چه درختی بود؟ چون مردم در باره آن اختلاف دارند، بعضی روایت می‌کنند که گندم بوده، و بعضی دیگر روایت می‌کنند که درخت حسد بوده است. حضرت فرمودند: هر دو درست است.

عرضه داشتم: با این‌که دو معنای متفاوت دارد، چطور ممکن است هر دو درست باشد؟! فرمودند: ای ابا صلت، یک درخت بهشتی می‌تواند چند نوع میوه داشته باشد، یک درخت هم می‌تواند گندم داشته باشد و هم انگور؛ چون درخت بهشت مانند درخت‌های دنیا نیست.

آدم بعد از آن‌که خدای تعالی به او احترام کرد، و ملائکه را واداشت تا به او سجده کنند، و او را داخل بهشت کرد، در دل با خود گفت: آیا خدا بشری گرامی‌تر از من خلق کرده است؟

خدای عز و جل از آنچه در دل او گذشت، خبردار شد. پس به او ندا داد: که

سر خود را بلند کن و به ساق عرش بنگر. آدم سربه سوی عرش بلند کرد، و به ساق عرش نگریست، دید در آن نوشته شده است:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ
زَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ
أَهْلِ الْجَنَّةِ؛ لا اله الا الله، محمد رسول الله، و علی بن ابی طالب
امیرالمؤمنین، و همسرش فاطمه، سیده زنان عالمیان، و حسن و
حسین دو سید جوانان اهل بهشت اند.

آدم پرسید: پروردگارا، اینان چه کسانی هستند؟ خدای عز و جل فرمود:

هَؤُلَاءِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَهُمْ خَيْرٌ مِنْكَ وَمِنْ جَمِيعِ خَلْقِي وَلَوْ لَا هُمْ مَا خَلَقْنَاكَ
وَ لَا خَلَقْنَا الْجَنَّةَ وَ النَّارَ وَ لَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ فَإِيَّاكَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَيْهِمْ
بِعَيْنِ الْحَسَدِ فَأُخْرِجَكَ عَنْ جَوَارِي؛ ای آدم، اینان ذریه تو هستند و
از تو بهترند، و از همه خلائق من بهترند، و اگر اینها نبودند، من
تورا، و بهشت و دوزخ را، و آسمان و زمین را خلق نمی کردم، پس
زنهار مبادا به چشم حسد بر اینان بنگری که از جوار من بیرون
خواهی شد.

پس آدم به چشم حسد بر آنان نظر افکند، و آرزوی مقام و منزلت آنان کرد، و
خداوند شیطان را براو مسلط ساخت، تا سرانجام از آن درخت که نهی شده
بود خورد، و بر حوا هم مسلطش کرد، او هم به مقام فاطمه به چشم حسد
نگریست، تا آنکه از آن درخت بخورد، همچنان که آدم خورد. در نتیجه
خدای تعالی هر دو را از بهشت بیرون کرد و به زمین فرستاد تا در جوار زمین

باشند.^۱

مرحوم علامه طباطبایی می‌فرماید: این معنا در عده‌ای از روایات آمده است که بعضی از آن‌ها، از روایات مورد بحث مفصل‌تر و طولانی‌تر است، و بعضی دیگر مجمل‌تر، و کوتاه‌تر.^۲

منطقه ممنوعه

بر اساس این روایت، این معنا مسلم گرفته شده است که درخت نامبرده هم گندم بوده،^۳ و هم حسد و این‌که آن دو از گندم خوردند، ولی ثمره‌اش حسد شد، و مقام و منزلت محمد و آل محمد علیهم‌السلام را آرزو کردند. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُتَقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ
دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا
يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَظْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ؛^۴ پس خداوند، شما را
به شریف‌ترین مرتبه گرامیان، و بالاترین جایگاه‌های مقربان، و
برترین درجات فرستاده شدگان برساند؛ آن مقامی که جز آنان،
هیچ کسی بدان نمی‌رسد و به بالاتر از آن، هیچ کسی راه نمی‌یابد
و هیچ پیشگامی بر آن، پیشی نمی‌گیرد و هیچ طمع‌کننده‌ای برای
رسیدن به آن، طمع نمی‌کند.

۱. عیون أخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۳۰۶.

۲. ترجمه المیزان، ج ۱، ص ۲۱۷.

۳. واژه شجره به درخت و گیاه هر دو اطلاق می‌شود؛ چه آن‌که در داستان یونس، به بوته کدو اطلاق شجره شده است.

۴. زیارت جامعه.

کسی حق طمع در این مقام را ندارد. تمام اسماء الهی در این‌ها تجلی پیدا کرده است. خداوند فرمود: اینجا منطقه ممنوعه خداست. آدم چون آرزوی این مقام ما را کرد، مبتلا شد و از آن درخت منهی خورد. مشکل اصلی در طمع در ولایت اهل بیت علیهم‌السلام بود که همه پیامبران بر آن ولایت مبعوث شده‌اند. امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

وَلَا يَتَنَا وَلَا يَهُ اللَّهُ الَّتِي لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِهَا؛ ولایت ما همان ولایت خداست که خدا هیچ پیغمبری را جز به آن مبعوث نساخت.

آثار ولایت

ولایت اهل بیت علیهم‌السلام ولایت کلیه الهیه است. امام هادی علیه‌السلام فرمودند: ولایت اهل بیت علیهم‌السلام باعث می‌شود که خداوند معالم دین ما را به ما تعلیم دهد. اگر به کتب صحاح اهل سنت بنگرید، می‌بینید که این‌ها قائل به این هستند که خدای تعالی مثل انسان جسم دارد. می‌گویند: خدا مانند یک انسان دیده می‌شود. خداوند در شب جمعه مانند جوانی سوار بر اسب می‌شود و به انسان‌ها نگاه می‌کند. این توحید آن‌هاست!

«وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا»؛ اگر دنبال اهل بیت علیهم‌السلام رفتید، همه مشکلات دنیایان هم حل می‌شود. روی اهل بیت علیهم‌السلام خیلی سرمایه‌گذاری کنید.

در این میان وظیفه عالمان و دانشمندان بسی سنگین‌تر است. باید در بیان و نشر فضائل امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام سرمایه‌گذاری کنند، که کوتاهی در

این امر گناهی نابخشودنی است. چنان‌که رسول خدا ﷺ فرمودند:

لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ هَذَا الْخَلْقَ إِلَّا بِذُنُوبِ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْحَقَّ مِنْ فَضْلِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِتْرَتِهِ؛^۱ خداوند این مردم را عذاب نمی‌کند، مگر به خاطر گناهان علما، آن‌ها که حق را کتمان می‌کنند و از بیان فضائل علی علیه السلام و عترت او خودداری می‌کنند.

منذر و هادی

خدای تعالی به پیامبرش می‌فرماید:

«إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^۲ تو فقط بیم دهنده‌ای! و برای هر گروهی هدایت کننده‌ای است.

امام باقر علیه السلام فرمودند:

الْمُنْذِرُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَالْهَادِي عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛^۳ منذر رسول خدا ﷺ است و هادی علی علیه السلام است.

در هجده روایت از اهل سنت هم آمده است که پیامبر خدا ﷺ فرمودند: هادی این امت امیرالمؤمنین علیه السلام است. اما ما چهار یا پنج روایت در کتب شیعه در این باره داریم. یعنی آن‌ها چهار برابر در این باره روایت دارند.

چرا این‌ها را برای مردم نگوییم؟ امیرالمؤمنین علیه السلام خانه‌نشین شد؛ چون غدیر به فراموشی سپرده شد. باید غدیر را احیا کرد، باید اهل بیت علیه السلام را به

۱. القطره من مناقب النبی والعترة، ج ۱، ص ۱۶۵.

۲. سوره رعد، آیه ۷.

۳. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۰.

جووانان بشناسانیم.

عامل وحدت

آیا قرآن می تواند عامل وحدت باشد؟ اگر قرآن عامل وحدت بود که تا کنون وحدت محقق شده بود؛ چون همه روی قرآن اتفاق نظر دارند. داعشی ها قرآن را قبول دارند، اما مسلمانان را می کُشند. آن ها باطن قرآن را نگرفته اند. باطن این آیه چیست؟ قرآن ما را به طریق امیرالمؤمنین علیه السلام هدایت می کند.

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتَهُ﴾؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده

است، کاملاً (به مردم) برسان! و اگر نکنی، رسالت او را انجام

نداده ای!

این چیست که اگر نگویی تمام رسالت هیچ می شود؟! حضرت زهرا علیها السلام

در خطبه ای که ایراد کردند، فرمودند:

وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفِرْقَةِ؛^۱ خداوند اطاعت

ما را مایه نظام و نظم بخشیدن به امت و امامت ما را مایه امنیت

از تفرقه و جدایی قرار داد.

پس اهل بیت علیهم السلام عامل وحدت اند. این عامل وحدت را جدی بگیریم.

الآن امیرالمؤمنین علیه السلام و غدیر مظلوم و ناشناخته اند.

مقام معظم رهبری رحمته الله علیه فرمودند: غدیر فقط مسأله جانشینی نیست، توجه

۱. سوره مائده، آیه ۶۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۲۲۳.

دادن به مسأله امامت است. ماجرای غدیر فقط نصب یک جانشین برای پیغمبر نبود؛ غدیر دو جنبه دارد: یکی جنبه نصب جانشین است، جنبه دیگر قضیه، توجه دادن به مسأله امامت است؛ امامت با همان معنایی که همهٔ مسلمین از این کلمه و از این عنوان می فهمیدند.^۱

در راه ولایت

ما در عزاداری خوب به میدان آمده ایم، اما به مناسبت های شاد که می رسیم، کوتاه می آییم. چرا برای شادی عید غدیر و مبعث و سوم شعبان، بانیان خیرکم اند؟ چرا موقوفات برای این امور کم است؟! مردم را باید ترغیب کنید تا برای اهل بیت علیهم السلام هزینه کنند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

دَرَهُمْ يُوَصَّلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنَ الْفَيْ دَرَهُمْ فِيمَا سِوَاهُ مِنْ وَجْهِ الْبَيْتِ^۲ درهمی که در راه صلهٔ امام صرف شود، از دو میلیون درهمی که در غیر آن، در راه خیر دیگر صرف شود برتر است.

مردم را ترغیب کنید تا برای این مناسبت ها برنامه ریزی کنند. کسی می گفت: هر کاری که مردم در نوروز برای خود و خانوادهٔ خود انجام می دهند، من در غدیر انجام می دهم. تمام برنامه های شاد را برای غدیر می گذارم. بچه ها آرزو می کنند غدیر زودتر بیاید. با این کار محبت علی علیه السلام در دل فرزندان قرار می گیرد.

باید فرهنگ سازی کرد. بزرگی می فرمود: اگر عزاداری به تاسوعا و عاشورا منحصر بود؛ این گونه جا نمی افتاد. برخی اعتراض می کنند که از ده روز پیش

۱. ۱۳۸۹/۰۹/۰۴ در جمع ۱۱۰ هزار بسیجی در روز عید غدیر.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۸.

از شهادت امام حسین علیه السلام عزاداری شروع می شود. باید گفت: این هاست که عاشورا را زنده نگه داشته است. برای مراسم جشن و شادی عید غدیر هم باید پیش از آن شروع کنیم.

همان طور که امام حسین علیه السلام با زندگی مردم عجین شده است؛ آب می نوشند، می گویند: «السلام علیک با ابا عبدالله، لعنت بر یزید!» باید غدیر هم با گوشت و پوست و خون ما عجین شود. غدیر به مراتب مهم تر از عاشورا است. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب فرمودند:

لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ يَوْمًا أَعْظَمَ حُرْمَةً مِنْهُ؛ شاید فکر می کنی خدا با عظمت تر از روز غدیر خم روزی را خلق کرده است!

بعد فرمودند: «لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ لَا وَاللَّهِ؛ نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند، نه به خدا سوگند!»

امام صادق علیه السلام سه بار قسم جلاله می خورند که خدای متعال روزی بالاتر از غدیر خم خلق نکرده است! از عاشورا بالاتر است، از فاطمیه بالاتر است.

میثاق ولایت

همه انبیا در هجدهم ذیحجه جانشین خود را تعیین می کردند؛ حضرت آدم علیه السلام، حضرت نوح علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام. و خدا از آنان میثاق گرفته است که آن روز را تعظیم کنند. غدیر خم نتیجه و ثمره زحمات همه انبیاست.

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ

۱. تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۱۴۴.

اَلْاِسْلَامَ دِينًا؛^۱ امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

آیت الله شبیری زنجانی می فرمودند: بنده معتقدم هر کس تعمداً ولایت مولا امیرالمؤمنین علیه السلام را قبول نکرد، مسلمان واقعی نیست؛ چون خدا می فرماید: به اسلامی راضی ام که علی بن ابی طالب امام و حجت آن باشد، وگرنه اسلام پوشالی است.

﴿الْيَوْمَ يَنْسَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ﴾^۲ امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند.

وقتی حضرت علی علیه السلام ناخدای این کشتی باشد، کفار نا امید می شوند. دوستان اهل بیت علیهم السلام را باید مثل جان خود بدانیم. حافظ می گوید:

مرا عهدی است با جانان که تاجان در بدن دارم

هواداران کویش را چو جان خویشتن دارم

اگر حامی و مبلغ اهل بیت علیهم السلام باشیم، تمام دوستان خدا طرفدار ما هستند. اصلاً خدا طرفدار ماست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى النَّارَ^۳
چنانچه مردم همگی دوستدار علی بن ابی طالب بودند، خداوند

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. سوره مائده، آیه ۳.

۳. المناقب للخوارزمی، ص ۶۷، ح ۳۹؛ بشارة المصطفی، ص ۷۵، عن ابن عباس.

متعال آتش را نمی آفرید.

آتش جهنم برای بی ولایت هاست، برای فاصله گرفتن از ولایت است. ماه ذیحجه بسیار فرصت خوبی است. بیایید غدیر را احیا کنیم، مناسبت ها را احیا کنیم. بسیاری از آیاتی که مربوط به ولایت است، مثل آیه ولایت، آیه تطهیر، آیه ذی القربی، آیه مودت، آیه خاتم بخشی، و آیه مباحله همه مربوط به ماه ذیحجه است. خدا می توانست این ها را جای دیگر قرار دهد. این ها همه برای احیا غدیر است.

ابلاغ رسالت

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ

رِسَالَتَهُ﴾؛ ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان. و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده ای!

این آیه خطاب به همه ما هم هست؛ هم به اول شخص عالم، و هم به ما. ما هم رسالت داریم تا ولایت را ابلاغ کنیم. برای تبلیغ ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تلاش کنیم. همان طور که حکومت ما، مردم ما، و هیأت ها برای اربعین به میدان آمدند و خداوند عنایت فرمود، همه باید برای احیای غدیر هم به میدان بیایند. ان شاء الله اگر برای امیرالمؤمنین علیه السلام قدم بردارید، خدا یاری تان می دهد.

همان طور که برنامه اعتکاف و برنامه دهه کرامت جا افتاد، و با شور و نشاط

برگزار می‌شود و دهه مه‌دویت برای امام زمان علیه السلام جشن می‌گیریم، بسیار به جاست که ماه ذیحجه، ماه امیرالمؤمنین علی علیه السلام و ماه ولایت و امامت نامگذاری شود.

در این ماه بیش از چهل مناسبت در رابطه با اهل بیت علیهم السلام و مولا امیرالمؤمنین علیه السلام وجود دارد که مهم‌ترینش عید غدیر خم است. در این فرصت یک‌ماهه این مناسبت‌ها باید بازگو شود و حقیقت دین که ولایت و امامت است روشن شود. هیچ موضوعی در آیات و روایات همانند ولایت و امامت سفارش نشده است. خدای متعال فرموده است:

﴿وَدَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ﴾؛ و «ایام الله» را به آنان یاد آور!

دین ما و محتوای دین ما را احیای «ایام الله» حفظ کرده است. اگر ماه رمضان‌ها، مناسبت‌ها، محرم و صفرها، جشن‌های نیمه شعبان و ولادت‌ها را حذف کنیم، چیزی از دین باقی نمی‌ماند. و غدیر مهم‌ترین روزهای خداست.

برترین اعیاد

بهترین و برترین اعیاد دینی ما، عید غدیر خم است که در روایات ما از آن به «عیدالله الاکبر» تعبیر شده است. پیامبر عظیم الشان فرمودند:

يَوْمُ غَدِيرِ حُجْمٍ أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَمَاً لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي؛^۲

۱ - سورة ابراهيم، آیه ۵.

۲ - الأملی (للصدوق)، ص ۱۲۵.

روز غدیر خم بهترین اعیاد و جشن‌های امت من است. آن روز، روزی است که خداوند متعال به من فرمان داد که برادرم علی بن ابی طالب را برای ملت خود منصوب کنم که پس از من به وسیله او رهنمون شوند.

از این رو عید غدیر به عنوان برترین و بالاترین اعیاد، در روایات ما نام‌گذاری شده است و می‌طلبید که تمامی مسلمانان، خصوصاً دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام اهتمام فوق‌العاده به بزرگداشت و احیای عید بزرگ غدیر داشته باشند.

نصرت امیر مؤمنان علیه‌السلام

امیدواریم در مراسم کاروان‌های شادی در روز غدیر خم کوتاهی نکنیم و به بهترین وجه در همه شهرها و آبادی‌ها و روستاها این امر را احیا کنیم. این کاروان‌های شادی می‌تواند برای همه مردم ما و حتی خارج از ایران، از شعائر اسلامی و نشانگر احیای امر ولایت باشد.

کاری کنیم که مشمول دعای پیامبر عظیم الشان صلی الله علیه و آله و سلم قرار بگیریم که در باره احیای امامت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند: «**وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ**؛ هر کس مولا امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام را یاری کند، خدا یا، تو او را یاری کن.» قطعاً دعای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مستجاب است. امیدواریم پیام غدیر را که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم سفارش کردند به نسل بعد منتقل کنیم.

انکار غدیر!

از مرحوم علامه امینی نقل شده است که یک عالم غیر شیعه برای اولین بار در روز عاشورا به کربلا آمده بود. صحنه‌های عزاداری شیعیان و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام را در باره امام حسین علیه‌السلام ندیده بود. آن شور و عظمت و سینه‌زنی و زنجیرزنی و گریه‌ها و ناله‌ها را مشاهده نکرده بود.

از مشاهدات خود بسیار تعجب کرد. به یکی از علمای شیعه گفت: گریم که فرزند پیغمبر شما را کشتند. بنشینید قرآن بخوانید، یا مجلسی بگیرید و یاد و خاطره او را گرامی بدارید. این شور و هیجان و داد و فریاد و گریه‌ها برای چیست!؟

علامه امینی در جواب او فرموده بود: ما در جریان غدیر، کوتاهی کردیم و اهمیت ندادیم و جشن مفصل و سرور و شادی نکردیم و شعائر دینی غدیر را بزرگ نداشتیم، بسیاری منکر غدیر خم شدند، یا جریان غدیر خم را خیلی کم‌رنگ و کم اهمیت جلوه دادند. اگر در عاشورا کوتاه بیاییم، قطعاً تحریف خواهد شد و می‌گویند: امام حسین اصلاً شهید نشده، و یا مظلوم نبوده، و یا حقی از او پایمال نشده است. این صحنه‌های عزاداری جریان عاشورا را احیا می‌کند. غدیر را هم باید این‌گونه احیا کرد.

توصیه به ولایت در معراج

امام صادق علیه‌السلام فرمودند:

عَجَّ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مِائَةً وَعِشْرِينَ مَرَّةً مَا مِنْ مَرَّةٍ إِلَّا وَقَدْ أَوْصَى اللهُ

عَزَّوَجَلَّ فِيهَا النَّبِيُّ ﷺ بِالْوَلَايَةِ لِعَلِّيٍّ وَالْأُمَّةَ ﷺ أَكْثَرِمَنَا أَوْصَاهُ
بِالْفَرَائِضِ؛^۱ پیامبر ﷺ يك صد و بیست بار به معراج رفتند. در
هر بار خدای عز و جل او را بیش از آنچه به واجبات توصیه کند،
به ولایت علی و امامان علیهم السلام توصیه فرمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم يك معراج رسمی و علنی داشتند و یکصد و بیست بار به
صورت غیر رسمی به معراج رفتند. معراج یعنی دیدار خصوصی با خدا،
جایی که جبرئیل و فرشته‌ها و هیچ‌کس نیست.

در این دیدارها بیش از همه به ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین علیهم السلام
توصیه شده است. اگر چیزی بالاتر از این بود، قطعاً خدا همان را سفارش
می‌کرد.

شخصیت والی امیرالمؤمنین علیه السلام

اگر از همه این‌ها صرف نظر کنیم و تاریخ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را بررسی کنیم که
کدام شخصیت اولین نفر بود که ایمان آورد؟ کدام شخصیت سینه سپر کرد؟
کدام شخصیت به جای پیغمبر خوابید و جان آن حضرت را حفظ کرد؟ کدام
شخصیت مثل پروانه دور پیغمبر چرخید و جان و مکتب پیغمبر را حفظ
کرد؟ چه کسی قلعه خیبر را فتح کرد؟ آیا جز امیرالمؤمنین علیه السلام کس دیگری
بود؟

کسانی هم که امیرالمؤمنین علیه السلام را به جان‌نشینی بلافضل قبول ندارند، در
علم و زهد و تقوا و شجاعت آن بزرگوار و در فداکاری او برای حق و عدل،

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۰۱.

تردید ندارند؛ این‌ها مورد اتفاق همهٔ مسلمین و همهٔ کسانی است که امیرالمؤمنین علیه السلام را می‌شناسند.

جرج جرداق مسیحی بیش از دویست مرتبه «نهج البلاغه» را خوانده است! ایشان در بیست و شش سالگی «صوت العدالة الانسانیة» را در بارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته است. بنده که ریش‌هایم در حوزهٔ علمیه سفید شده است، آیا چیزی در بارهٔ حضرت نوشته‌ام؟! یک جلد کتاب در بارهٔ غدیر ننوشته‌ام. در روز قیامت چه جوابی داریم بدهیم؟

اگر غدیر تثبیت می‌شد و مردم می‌پذیرفتند، و کار به دست اهلش می‌رسید، اختلافی نبود، دزدی نبود، خیانت نبود، داعش نبود، جنایت نبود، ظلم نبود، فساد نبود. یک خون به ناحق ریخته نمی‌شد.

تمام انبیا در مشکلاتشان به پیغمبر و اهل بیت صلی الله علیه و آله و سلم متوسل شده‌اند؛ حضرت آدم تا برای امام حسین علیه السلام گریه نکرد، تا خدا را به پنج تن قسم نداد، توبه‌اش پذیرفته و دعایش مستجاب نشد. پیغمبر ما، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم اولین شخصیت عالم و فخر اولین و آخرین، به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

لَا أَسْتَعْنِي عَنْكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ من در دنیا و آخرت از تویی نیاز
نیستم.

توجه به ایام غدیر و جشن مباحله

در ایام محرم مردم به صورت خودجوش موکب‌ها و ایستگاه‌های صلواتی می‌زنند، و حتی در ایام فاطمیه مراسم عزاداری مختلفی از سوی مردم برگزار می‌شود، اما هنوز در ایام غدیر از این دست برنامه‌ها کم است، در صورتی که شما از هر مرجع تقلید و هر دانشمندی بپرسید که عاشورا مهم‌تر است یا غدیر؟ جواب آن‌ها غدیر است. غدیر مهم‌تر از عاشورا است و قطعاً غدیر از فاطمیه مهم‌تر است. حضرت زهرا علیها السلام فدای ولایت و امیرالمؤمنین علیه السلام راه خدا شد.

غدیر یک جریان، یک فرهنگ و یک دین و مکتب است، باید آن را احیا کنیم. پس همان‌طور که ایام صادقیه، ایام فاطمیه، ایام محرم جا افتاده است، بیاییم غدیر را هم از این مهجوریت و غربت در بیاوریم. چرا باید جشن بزرگی چون غدیر به یک روز ختم شود و قبل و بعد از آن را مورد توجه قرار ندهیم؟! جشن مباحله نیز از جشن‌های مهم شیعیان است، این در حالی است که در بعضی از مناطق ایران این روز بزرگ نادیده گرفته شده و از روز بعد از غدیر سیاه‌پوشی محرم و استقبال از محرم شروع می‌شود که این اشتباهی بزرگ است.

انعکاس خطبه غدیری و بررسی نکات مهم این خطبه از جمله اولویت‌هایی است که می‌تواند مورد توجه اصحاب رسانه و فعالان فرهنگی قرار گیرد. ائمه اطهار علیهم السلام نیز هر کدام تعبیر مختلفی در مورد عید غدیر دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

اگر ما عاشورا را یک روز برگزار کنیم، قطعاً فراموش می‌شود؛ از این رو ما



عاشورا را دو ماه برگزار می‌کنیم. ده روز قبل از شهادت به استقبال می‌رویم. بسیاری از استان‌ها که قبل از محرم به استقبال می‌روند. اما این ظلم نسبت به مولا امیرالمؤمنین علیه السلام است که غدیر را یک روز برگزار کنیم. غدیر را دست‌کم پانزده روز باید برگزار کرد؛ از عید قربان تا عید مباهله، که روز بیست و چهارم ذیحجه است. باید کیفیت و کمیت را زیاد کنیم. غدیر با یک روز بزرگداشت فراموش می‌شود، ولی اگر پانزده روز برگزار شد، شادی آن فراگیر و ماندگار می‌شود.

احیای غدیر و فضای مجازی

شما در هر برنامه‌ای که هستید؛ در فضای مجازی، در فضای تدریس، در فضای تبلیغ می‌توانید کار ساز باشید. شما فکر نکنید یک نفر هستید. یک نفر می‌تواند یک بدعت را در هم بشکند، یک نفر می‌تواند یک سنت زیبا را در جامعه بنیان‌گذاری کند. بیاییم برای عید غدیر فرهنگ سازی کنیم. در هر زمینه‌ای که می‌توانیم کار کنیم.

بنده برای سخنرانی به حرم حضرت عبد العظیم در شهری رفته بودم. جوانی در صف جماعت کنار من نشسته بود. بعد از این‌که مرا شناخت، گفت: شما چرا از این فضاهای مجازی غافل هستید؟ گفتم: چطور؟ گفت: الآن مردم حوصله کتاب و حتی روزنامه ندارند. الآن عموم مردم سرشان در فضاهای مجازی است.

یک طلبه‌ای اهل شیراز بود. به من می‌گفت: من داستان‌های شیرین قرآنی و روایی را به صورت رمان می‌نویسم و در فضای مجازی می‌گذارم. حدود هفتاد

هزار نفر از رمان‌های من استفاده می‌کنند. منبر و سخنرانی اصلاً این ظرفیت را ندارد.

می‌گفت: من شب قدر مراسمی در مسجدم گرفتم. نهایتاً حدود سیصد نفر آمده بودند. ساعت یک نیمه شب مراسم تمام شد. تقریباً چهار ساعت تا اذان صبح مانده بود. فضای مجازی را روشن کردم و به آن‌هایی که با من در ارتباط بودند پیام دادم. معمولاً همه در شب قدر بیدارند. بعضی از آن‌ها نگهبان بودند، پرستار بودند. مأمور نیروی انتظامی بودند. مراسم احیای شب قدر مجازی را شروع کردم، با صوت و پیام کتبی؛ و «بِکَ يَا اللهُ بِکَ يَا اللهُ...» می‌گفت: شاید باورتان نشود، هفتاد هزار نفر با من در فضای مجازی مراسم احیا و دعای قرآن گرفتند.

تک تک ما می‌توانیم اثرگذار باشیم. نگویید من معروف نیستم. نه، همه ما می‌توانیم کار کنیم؛ زن و مرد، کوچک و بزرگ.

جوان دیگری می‌گفت: من یک جوان ناشناسی هستم. یک کانال زده‌ام و اسم آن را کربلا گذاشته‌ام. کلمه کربلا جاذبه دارد. می‌گفت: ۶۰۰ هزار نفر عضو دارد. از امام حسین علیه السلام حدیث می‌گذارم، نوحه می‌گذارم، عکس کربلا می‌گذارم. فضای مجازی مرز نمی‌شناسد. هرکسی فارسی زبان باشد، می‌تواند در این کانال شرکت کند.

بیان عظمت غدیر در فضای مجازی

بیباید برای غدیر در فضای مجازی هم حرکتی انجام دهیم. حدیث‌ها را به روز کنیم. مستندی در فضای مجازی برای غدیر پخش شد که من خیلی

لذت بردم. در این مستند با افراد مختلفی مصاحبه شده بود؛ از زن و مرد، با حجاب و بد حجاب، کوچک و بزرگ می پرسید: شما در طول سال برای کدام یک از ایام سال امید دارید حاجتتان برآورده شود و گناهاتتان آمرزیده شود؟ سؤال قشنگی است.

ما در طول سال ده‌ها مناسبت مهم داریم که مراسم برگزار می‌کنیم. تاسوعا، عاشورا، اربعین، شب‌های قدر، نیمه شعبان، عرفه، عید قربان، عید فطر و.....

در پاسخ به این پرسش، خیلی‌ها می‌گفتند عرفه. امام سجاد علیه السلام در روز عرفه سائلی را دیدند که از مردم درخواست می‌کرد. به او فرمودند:

وَمَحْكٌ أَغْبَرَ اللَّهِ تَسْأَلُ فِي هَذَا الْيَوْمِ إِنَّهُ لَيُرْجَى لِمَا فِي بَطُونِ الْحَبَالِ فِي

هَذَا الْيَوْمِ أَنْ يَكُونَ سَعِيدًا؛^۱ وای بر تو! آیا در این روز از غیر خدا

درخواست می‌کنی؟! همانا که در این روز برای بچه‌هایی که در

شکم زنان باردار هستند، امید سعادت می‌رود.

بسیاری می‌گفتند: نیمه شعبان. از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است

که از امام محمد باقر علیه السلام در مورد فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد. امام

باقر علیه السلام فرمودند:

هِيَ أَفْضَلُ لَيْلَةٍ بَعْدَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فِيهَا يَمْنَحُ اللَّهُ تَعَالَى الْعِبَادَ فَضْلَهُ وَيَغْفِرُ

لَهُمْ بِمَنِّهِ فَاجْتَهِدُوا فِي الْقُرْبَى إِلَى اللَّهِ فِيهَا فَاتِمَّتْ لَيْلَةٌ إِلَى اللَّهِ عَلَى نَفْسِهِ

أَنْ لَا يَزِدَّ سَائِلًا لَهُ فِيهَا مَا لَمْ يَسْأَلْ مَعْصِيَةً؛^۲ آن شب بعد از شب

۱. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۲. وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۰۶.

قدر برترین شب‌هاست. در آن شب خداوند به بندگان، فضل خود را عطا می‌فرماید و ایشان را به من و کرم خویش می‌آمرزد. پس سعی و کوشش کنید در تقرب جستن به سوی خدای تعالی در آن شب، که آن شبی است که خدا به ذات مقدس خود قسم یاد فرموده که سائلی را از درگاه خود تا زمانی که مطلب گناهی را درخواست نکند؛ دست خالی برنگرداند.

هرچند این ایام بسیار مهم‌اند و از فضیلت بسیار برخوردارند، اما جواب سؤال این نبود. پاسخ صحیح را از زبان امام صادق علیه السلام بشنویم. فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةَ الْفِطْرِ؛ خدای تعالی در روز غدیر همه مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان را می‌آمرزد و از گناهان شصت ساله ایشان در می‌گذرد و دو برابر آنچه را در ماه رمضان و در شب قدر و در شب عید فطر از آتش دوزخ آزاد کرده است، آزاد می‌کند.

امیرالمؤمنین واسطه رساندن خیر است و ما را از آتش جهنم در می‌آورد.

می‌گفت: بعد از این که همه نتوانستند جواب صحیح را بدهند، این روایت نورانی را با صدای زیبا برای مصاحبه شونندگان پخش می‌کردند. و این در معرفی غدیر چقدر تأثیرگذار است.

امروز بسیاری از مردم جهان شاید سعدی و حافظ را بشناسند، اما امام

علی علیه السلام را نمی شناسند، چون آن حضرت را معرفی نکرده ایم و این از کم کاری ما مبلغان و مداحان و اصحاب رسانه و اهل ولایت است.

برترین روز در نزد خدای تعالی

صفوان بن یحیی می گوید: شنیدم که امام جعفر صادق علیه السلام می فرمود:

الثَّامِنَ عَشْرَمِنْ ذِي الْحِجَّةِ عِيدَ اللَّهِ الْأَكْبَرُ، مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ شَمْسٌ فِي يَوْمٍ
أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْهُ، وَهُوَ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ دِينَهُ لِحَلْقِهِ، وَأَتَمَّ عَلَيْهِمْ
نِعْمَهُ، وَرَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا، وَمَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا أَقَامَ وَصِيَّتَهُ فِي مِثْلِ
هَذَا الْيَوْمِ، وَنَصَبَهُ عِلْمًا لِأُمَّتِهِ؛ هَجْدَهُمْ ذِيحِجَّةَ، بزرگ ترین عید
الهی است. خورشید، در هیچ روزی طلوع نکرد که در نزد خدا
برتر از آن روز باشد و آن، همان روزی است که خدا در آن، دینش
را برای آفریدگانش به کمال رساند و نعمتش را بر آنان کامل کرد
و دین اسلام را برایشان پسندید. خداوند، پیامبری برینگیخت،
جز آن که آن پیامبر وصیتش را در چنین روزی به جای خود نهاد و
رهبر امتش قرار داد.

فَلْيَذْكُرُوا لِلَّهِ شِعْرَتَنَا عَلَى مَا مَنَّ عَلَيْنَا بِمَعْرِفَتِهِ هَذَا الْيَوْمَ دُونَ سَائِرِ
النَّاسِ؛ پس، پیروان ما باید بر نعمت بزرگ شناخت این روز که
تنها به آنان عطا شده خدا را به یاد آورند.

گفتم: ای پسر پیامبر خدا! در آن روز، چه کنیم؟

فرمود: «آن را روزه بدار، که روزه اش برابر شصت ماه است. در آن روز به اندازه

توان، به خود و عیال خود و هرکه در اختیار توست، احسان کن»^۱.

امام رضا علیه السلام و بزرگداشت غدیر

امام رضا علیه السلام در این روز خطبه خواندند، صلّه دادند، اطعام کردند. حتی برای خانم‌ها چادر، النگو، دستبند و جوایز فرستادند تا امر غدیر خم احیا شود. فیاض بن محمد طرسوسی می‌گوید: در روز غدیر، در نزد امام رضا علیه السلام بودم. عده‌ای از یاران خاص ایشان هم در آنجا حضور داشتند. امام علیه السلام آنان را برای افطار نگاه داشته بود و برای خانه‌هایشان، غذا و هدیه و صلّه و پوشاک و حتی انگشتر و کفش فرستاده بود و وضعیت آنان و اطرافیان خود را تغییر داده بود. امام علیه السلام وسایل و ابزارهای کهنه خود را نیز نو کرده بود و فضیلت و سابقه آن روز را بیان می‌کردند.^۲

خطبه‌هایی برای غدیر

امام رضا علیه السلام در این روز خطبه خواندند، امام صادق علیه السلام برای این روز خطبه خواندند، از امیرالمؤمنین علیه السلام و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هم برای روز غدیر خطبه داریم. چهار معصوم بزرگوار در باره غدیر خطبه خوانده‌اند. آیا اگر از من و شما بپرسند، چقدر از این خطبه‌ها می‌دانیم، چه می‌گوییم؟! پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بر حاضران در غدیر خم واجب کردند که پیام غدیر را به همه برسانند. ما نیز از روز عید قربان به مدت پانزده روز، ایام شاد آسمانی را به عنوان ایام غدیریه برگزار می‌کنیم. امید است توفیق احیای امر

۱. الأمالی للشجری، ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. مصباح المنتهجد، ص ۷۵۲: الإقبال، ج ۲، ص ۲۳۷.

ولایت و غدیر خم را داشته باشیم.

از برنامه‌های مهمی که باید در ایام غدیر داشته باشیم، احیای خطبه غدیر است. این طولانی‌ترین خطبه‌ای است که پیامبر عظیم‌الشان صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در عمر مبارکشان خواندند. خطبه‌های پیغمبر معمولاً خیلی کوتاه است؛ چنان‌که در روایتی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام آمده است: «كَانَ أَقْصَرَ النَّاسِ خُطْبَةً»^۱.

اما خطبه غدیر خم، آن هم در شرایط سخت، در گرمای آفتاب، در مسیر سفر و بازگشت از حجة الوداع، یا حجة البلاغ، طولانی‌ترین خطبه عمر پیامبر خداست. این خطبه را در باره غدیر خم و ولایت و اثبات امامت مولا علی عَلَيْهِ السَّلَام بیان فرمودند. همه جملات این خطبه قابل تأمل است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روز قبل از غدیر در باره محبت و ولایت صحبت کردند و محبت را ابلاغ کردند. مولویتی که حضرت در این خطبه بیان فرمودند، بدون شک به معنای امامت و ولایت و رهبری و سرپرستی است. کسی که سه روز مردم را نگه داشته و بیعت گرفته است، برای ولایت و سرپرستی امت است، نه صرف محبت.

این‌که مردم را سه روز در آفتاب سوزان نگه دارند تا فقط اعلام دوستی کنند، خلاف عقل و عرف است. مردم را نگاه داشتند برای این‌که وصایت و امامت و جانشینی مولا علی عَلَيْهِ السَّلَام را بیان کنند. از این رو فرمودند:

مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَدَّ قَوْلِي هَذَا عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنِ اللَّهِ
تَعَالَى؛^۲ نفرین شده و مورد خشم و غضب خداوند است، هر کس

۱. مکالم الأخلاق، ص ۲۳.

۲. روضة الواعظین، ج ۱، ص ۹۴.

که این گفتار مرا رد کند. این از جبرئیل و از سوی خدای تعالی است.

این گونه بیعت گرفتن جز برای امامت و خلافت و جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیست.

بزرگداشت غدیر در بهشت

احمد بن محمد بن ابی نصر می گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودیم و مجلس، لبریز از جمعیت بود. اهل مجلس از روز غدیر یاد کردند که برخی آن را انکار کردند. امام رضا علیه السلام فرمودند: پدرم از پدرش نقل کرد که فرمود:

إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهَرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ، إِنَّ اللَّهَ فِي الْفُرْدَوْسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَبَنَةً مِنْ فِضَّةٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ، فِيهِ مِئَةٌ أَلْفِ قَبْتَةٍ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، وَمِئَةٌ أَلْفِ حِمَمَةٍ مِنْ يَاقُوتٍ أَحْضَرَ، تُرَابُهُ الْمِسْكُ وَالْعَنْبَرُ، فِيهِ أَرْبَعَةٌ أُنْهَازٍ نَهْرٍ مِنْ حَمْرٍ وَنَهْرٍ مِنْ مَاءٍ، وَنَهْرٍ مِنْ لَبَنٍ، وَنَهْرٍ مِنْ عَسَلٍ، وَحَوَالِيهِ أَشْجَارٌ جَمِيعُ الْفَوَاكِهِ، عَلَيْهِ طُيُورٌ أَبْدَانُهَا مِنْ لُؤْلُؤٍ وَأَجْنِحَتُهَا مِنْ يَاقُوتٍ تُصَوِّتُ بِاللَّوَانِ الْأَصْوَاتِ؛ رُوزِ غَدِيرِ، دَرِ آسْمَانِ، مَشْهُورَتَرِ از زَمِينِ
 است. خدا در بهشت برین، کاخی دارد که خشت هایش یکی از سیم و یکی از زر است و در آن، صد هزار گنبد از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه از یاقوت سبز است و خاک آن (نیز) مُشک و عنبر است. در آن، چهار نهر جاری است: نهر شراب، نهر آب، نهر شیر و نهر عسل. و پیرامون آن، درختانی با همه گونه میوه هست که بر آن ها پرندگانی با پیکرهایی از مروارید و بال هایی از یاقوت با

صداهای گوناگون نشسته‌اند.

إِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَدِيرِ وَرَدَ إِلَى ذَلِكَ الْقَصْرِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَيُقَدِّسُونَهُ وَيُهَلِّلُونَهُ، فَتَطِيرُ تِلْكَ الطُّيُورُ فَتَقْعُ فِي ذَلِكَ الْمَاءِ وَتَمْرَعُ عَلَى ذَلِكَ الْمَسْكِ وَالْعَنْبَرِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الْمَلَائِكَةُ طَارَتْ، فَتَنْفُضُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ، وَإِنَّهُمْ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ لَيَتَهَادُونَ نِسَارَ فَاطِمَةَ؛ چون روز غدیر می‌شود، ساکنان آسمان با تسبیح و تقدیس و تهلیل خداوند، به آن کاخ، وارد می‌شوند. پس، همه پرنندگان می‌پرند و داخل آب‌ها می‌شوند و خود را به مُشک و عنبر (بهشتی) آغشته می‌کنند و هنگامی که فرشتگان گرد می‌آیند، پرواز می‌کنند و آن مشک و عنبر را بر آن‌ها می‌افشانند و در آن روز، فرشتگان، شاد باش عروسی فاطمه ع را به هم هدیه می‌دهند.

فَإِذَا كَانَ آخِرَ ذَلِكَ الْيَوْمِ نَدُوا: انصَرَفُوا إِلَى مَرَاتِبِكُمْ فَقَدْ أَمِنْتُمْ مِنَ الْخَطِّ وَالزَّلِيلِ إِلَى قَابِلٍ فِي مِثْلِ هَذَا الْيَوْمِ تَكْرِمَةً لِمُحَمَّدٍ ص وَعَلِيٍّ ع؛ در پایان آن روز، به آنان ندا می‌شود که به جایگاه‌های خود بازگردید که به خاطر بزرگداشت محمد ص و علی ع، تا چنین روزی در سال دیگر، از خطا و لغزش ایمن خواهید بود.

فرمان پیامبر ص به عید گرفتن روز غدیر

امام صادق ع فرمودند:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص أَوْصَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنْ يَتَّخِذَ ذَلِكَ الْيَوْمَ عِيدًا، وَكَذَلِكَ كَانَتْ الْأَنْبِيَاءُ ع تَفْعَلُ؛ كانوا يوصون أوصيائهم بذلك

فَيَتَّخِذُونَهُ عِيدًا؛ پیامبر خدا به امیر مؤمنان وصیت کرد که آن روز (روز غدیر) را عید بگیرد که پیامبران پیشین هم چنین می‌کردند؛ به اوصیای خود، توصیه می‌کردند که (روز تعیین وصی) را عید بگیرند.

انفاق برای غدیر

بیشتر ما مردم عبادت را فقط در اعمال خاص می‌دانیم؛ نماز، تلاوت قرآن، دعا، و مشاهد مشرفه، در حالی که اگر به قرآن و روایات مراجعه کنیم، بسیاری از چیزها هست که در عرف ما عبادت نیست، ولی از عبادت‌های بزرگ است، بلکه سرچشمه همه خیرها و خوبی‌هاست. امام حسن علیه السلام فرمودند:

أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِدَامَةِ التَّفَكُّرِ فَإِنَّ التَّفَكُّرَ أَبُو كُلِّ خَيْرٍ وَأُمُّهُ؛^۱ شما را به تقوای الهی و تفکر مداوم سفارش می‌کنم؛ زیرا تفکر پدر و مادر هر خیر و خوبی است.

انسان باید جای خلوتی برای تصمیم‌گیری‌های کلان داشته باشد. فکر کند و آخرت را فدای دنیا نکند. مرحوم آیت الله بهاء‌الدینی بیشتر تفکر داشتند. بیشترین عبادت ابوذر تفکر بود. تلاوت و نمازی که در آن تفکر و تدبر نباشد فایده چندانی ندارد.

یکی دیگر از عبادت‌هایی که خیلی از آن غافل هستیم، احسان و گره‌گشایی است. این‌که گره‌ای از مشکل کسی باز کنی، همسرت را خوشحال کنی، از مریضی پرستاری کنی، جان یک نفر را از مرگ نجات بدهی.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۱۴۹، ح ۳؛ الإقبال، ج ۲، ص ۲۶۳.

۲. مجموعه ورام، ج ۱، ص ۵۲.

از دیگر عبادت‌های پرثمر انفاق در راه خداست. از فرصت‌ها باید استفاده کرد و این توفیق را از دست نداد. خدای تعالی خطاب به همه ما می‌فرماید:

﴿وَأَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَّ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْ
لَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾؛^۱ و از آنچه
به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آن‌که مرگ یکی از شما
فرا رسد و بگوید: «پروردگارا! چرا (مرگ) مرا مدت کمی به تأخیر
نینداختی تا (در راه خدا) صدقه دهم و از صالحان باشم؟!»

این هشدار است برای همه ما که تا مرگ ما فرا نرسیده و قدرت انفاق در
راه خدا را داریم کوتاهی نکنیم. براساس این آیه شریفه، کسانی که دستشان
از دنیا کوتاه شده است، آرزویشان این است که به دنیا برگردند، و صدقه
بدهند و در راه خدا انفاق کنند. اما راهی برای بازگشت نیست و جز حسرت
و اندوه چیزی نصیبشان نمی‌شود.

چقدر برای غدیر مایه گذاشته‌ایم، در راه ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام چقدر
هزینه کرده‌ایم؟ از آنچه خدا روزیمان کرده است باید انفاق و هزینه کنیم. «مما
رَزَقْنَاكُمْ». از مالمان، از آبرویمان، از اعتبارمان، از رزق‌های مادی و معنوی باید
مایه بگذاریم. در کنار انفاق‌های معیشتی، انفاق فرهنگی هم داشته باشیم.
در کنار بسته‌های معیشتی یک بسته فرهنگی هم بگذاریم.

نزول آیات ولایت و «هل اتی»

چرا در باره حضرت علی علیه السلام آیه ولایت نازل شد؟

۱. سوره منافقون، آیه ۱۰.

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱ سرپرست و ولی شما، تنها خداست

و پیامبر او و آن‌ها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا

می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

این آیه برای انگشتی که امیرالمؤمنین علیه السلام در حال رکوع به سائل داد نازل شده است. خدا برای انفاق امیرالمؤمنین علیه السلام آیه نازل فرموده است.

سوره «هل آتی» برای چه نازل شد؟

﴿وَيُطْعَمُونَ عَلَىٰ حَبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۲ و غذای

(خود) را با این‌که به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و

«یتیم» و «اسیر» می‌دهند!

این آیات هم برای اطعام اهل بیت علیهم السلام به مسکین و یتیم و اسیر نازل شده است. پای انفاق در میان بوده است. هفده آیه که شاید در قرآن بی نظیر باشد.

نام و یاد علی علیه السلام

دایره عبادت بسیار گسترده است. مرحوم آیت الله بهاء‌الدینی می‌فرمودند: عالم عرصه عبودیت خداست. یکی از بزرگ‌ترین عبادت‌ها ذکر فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام است. مجالسی که برای امیرالمؤمنین علیه السلام و بزرگداشت غدیر برگزار می‌شود از بزرگ‌ترین عبادات است. احیای سیره امیرالمؤمنین علیه السلام عبادت است، بلکه پدر همه عبادت‌هاست. پیغمبر

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. سوره انسان، آیه ۸.

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سفارش ویژه می‌کردند که نام و یاد امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام باید در جامعه زنده بماند. فرمودند:

ذِكْرُ عَلِيٍّ عِبَادَةٌ؛ يادِ عَلِيٍّ عِبَادَتٌ اسْت.

همان‌طور که یاد خدا و یاد پیامبر خدا عبادت است، یاد امیرالمؤمنین هم عبادت است. شاعران برای غدیر شعر بسرایند، مداحان مداحی کنند، نویسندگان بنویسند، گویندگان بگویند، خطاط‌ها خطاطی کنند. هرکس هر هنری دارد برای امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام هزینه کند. پیغمبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

زَيِّنُوا مَجَالِسَكُمْ بِذِكْرِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛^۱ مجالس خود را با یاد و نام علی بن ابی طالب زینت بدهید.

مرحوم آیت الله بهاء‌الدینی می‌فرمودند: ما همه امام‌ها را دوست داریم، ولی بیچاره علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام هستیم.

مجالس ذکر فضائل امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام

ام سلمه می‌گوید: از رسول خدا عَلَيْهِ السَّلَام شنیدم که می‌فرمودند: هر زمان که گروهی گرد هم آیند و فضائل امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَام را بازگو کنند، فرشتگانی از آسمان به سوی آن‌ها فرود آمده و اطراف آنان را می‌گیرند.

زمانی که گروه متفرق می‌شوند، ملائکه به سوی آسمان عروج می‌کنند. دیگر فرشتگان به آن‌ها می‌گویند: از شما بوی خوشی به مشام ما می‌رسد که خوشبو تر و پاکیزه تر از آن استشمام نموده‌ایم.

۱. الإختصاص، ص ۲۲۴.

۲. بشارة المصطفى، ص ۶۰.

فرشتگان پاسخ می دهند: ما در میان گروهی بودیم که فضائل محمد و آل محمد علیهم السلام را بازگو می کردند. ما از بوی خوش آنان معطر شدیم. فرشتگان دیگر می گویند: ما را به نزد آنان ببرید. می گویند: آن ها متفرق شده اند. ما را به آن مکانی که بودند فرود آورید تا به آن مکان تبرک جویم و معطر شویم.^۱

محبت علی علیه السلام

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

لَوِ اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ لَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ^۲

اگر مردم بر محبت و دوستی علی علیه السلام اجتماع می کردند، خدای تعالی اصلاً آتش جهنم را خلق نمی کرد.

امیرالمؤمنین علیه السلام و غدیر را فراموش کردند که گرفتار آتش سقیفه شدند و آن آتش هنوز هم هست و تا ظهور امام زمان علیه السلام ادامه دارد. اگر می خواهیم آتش را خاموش کنیم، باید به غدیر برگردیم و در خط ولایت علی علیه السلام زندگی کنیم. بیایید با احیای امر ولایت و غدیر، آتش جهنم را خاموش کنیم. آتش غلط می کند محبت علی علیه السلام را بسوزاند! محب و دوستدار علی است که آتش را خاموش می کند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

إِذَا مَرَّ الْمُؤْمِنُ عَلَى الصِّرَاطِ طَفِئَتْ هَبُّ النَّيِّرَانِ وَيَقُولُ جُزِيَا مُؤْمِنٍ فَإِنَّ

نُورَكَ قَدْ أَظْفَأَ هَبِّي^۳ هنگامی که مؤمن بر صراط می گذرد، ناگاه

۱. بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۹۹.

۲. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ص ۷۵.

۳. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۵۸.

زبان‌های آتش خاموش می‌شود و می‌گوید: ای مؤمن عبور کن؛
زیرا نور تو آتش مرا خاموش کرد.

ما از سیره امیرالمؤمنین علیه السلام فاصله گرفته‌ایم. ما ثروتمندانی داریم که می‌توانند صدها فقیر را اداره کنند. شغل ایجاد کنند، ولی همه اموال را روی هم انباشت می‌کنند. روزی می‌آید که حسرت می‌خورند که چرا آن‌ها را در راه خدا انفاق نکردیم.

اساس دین

اگر بخواهیم غدیر احیا شود، باید در طول سال با غدیر زندگی کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام پدر ماست، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم خواستند دست این امت را در دست پدر بگذارند. آدم نباید پدر خود را فراموش کند. همان‌طور که برای امام حسین علیه السلام و کربلا مایه می‌گذاریم، باید برای امیرالمؤمنین علیه السلام و نجف هم مایه بگذاریم؛ بلکه زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام از اهمیت بیشتری برخوردار است.

ابی‌شعیب خراسانی می‌گوید: به امام رضا علیه السلام عرضه داشتیم: «**أَيُّمَا أَفْضَلُ زِيَارَةُ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَوْ زِيَارَةُ قَبْرِ الْحُسَيْنِ علیه السلام**؛ زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام از فضیلت بیشتری برخوردار است، یا زیارت قبر امام حسین علیه السلام؟» حضرت فرمودند:

إِنَّ الْحُسَيْنَ قَتِيلٌ مَكْرُوبًا فَحَقُّ عَلَى اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ أَنْ لَا يَأْتِيَهُ مَكْرُوبٌ
إِلَّا فَرَّجَ اللَّهُ كَرْبَهُ وَفَضْلُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى زِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ

كَفَّضَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْحُسَيْنِ! بی تردید حسین علیه السلام با غم و اندوه به شهادت رسید؛ بر خدایی که یادش بزرگ باد، سزاست که هر اندوهگینی نزد او حاضر می شود، اندهش را بر طرف سازد. و برتری زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام بر زیارت قبر امام حسین علیه السلام همانند برتری امیرالمؤمنین علیه السلام بر امام حسین علیه السلام است.

نماز در مسجد الحرام برابر صد هزار نماز است،^۱ ولی بر اساس روایات، نماز در حرم مولا امیرالمؤمنین علیه السلام برابر دویست هزار رکعت است!^۲
 کعبه یک سنگ و نشانی است که ره گم نشود

حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

کعبه خیلی حرمت دارد، ولی حرمت یک مؤمن از حرمت کعبه بالاتر است امیرالمؤمنین علیه السلام بود که کعبه را از بت و بت پرستان پاک کرد و از دین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نگهداری کرد.
 هیچ عملی را خدا در عالم قبول نمی کند، مگر با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام.
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

لَوْ أَنَّ عَبْدًا عَبَدَ اللَّهَ أَلْفَ عَامٍ بَعْدَ أَلْفِ عَامٍ بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ وَالْمَقَامِ ثُمَّ لَقِيَ اللَّهَ

۱. بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۲۶۲.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۳۰.

۳. مفاتیح الجنان، ص ۶۱۶، زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام

مُبْغِضًا لِعَلِيٍّ وَعَشْرَتِهِ لَأَكْبَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ مَنْخَرِيهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ!

اگر بنده‌ای (در مسجدالحرام) بین رکن و مقام هزار سال بعد هزار سال، خدا را عبادت کند، ولی با بغض علی و خاندانش خدا را ملاقات کند، خدا او را در قیامت بر دو بینی اش در جهنم افکند.

کسی که این همه عبادت کند، ولی با علی علیه السلام دشمنی کند و بگوید: من او را قبول ندارم، او را با صورت در آتش جهنم می اندازند. چون علی محک و میزان است! محور و اساس دین و مکتب ما محبت امیرالمؤمنین علیه السلام است.

مجالس اهل بیت علیهم السلام

رضاخان به زور چادر از سر خانم‌ها گرفت، عمامه از سر علما برداشت، و روضه خوانی حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را تعطیل کرد. مرحوم حاج اسماعیل دولابی می فرمود: در دولاب پدرم ارباب و بزرگ دولاب بود. مخفیانه عزاداری کردیم. به همین خاطر ما را به پاسگاه بردند. رئیس پاسگاه با پدرم دوست بود. پدرم به او گفته بود: پسر مرا گرفته اند. به پدرم گفته بود: اگر پسر شما جنایت کرده باشد خطر ندارد، فقط روضه خوانی نکرده باشد!

مرحوم حاج آقای دولابی در حالی که اشک در چشمانش جمع شده بود، این مطلب را نقل می کرد و می فرمود: از این حرف داغی بردل من نشسته است که کم نظیر است. این قدر در حق اهل بیت علیهم السلام دشمنی کردند.

مرحوم آیت الله بهجت می فرمودند: عزاداری اباعبدالله چیزی است که هزارها واجب از آن در می آید. حرف حکیمانه‌ای است. اگر تاسوعا و عاشورا

۱. ملحقات الاحقاق، ج ۲۰، ص ۲۸۹-۲۹۰ و رک: احقاق الحق، ج ۴، ص ۲۴۴، به نقل از خطیب خوارزمی در المناقب، ص ۵۲ و فرائد السمطين، جلال الدین سیوطی، ص ۶۵؛ بنایع الموده، ص ۵۵.

و محرم و شب‌های قدر تعطیل باشد، اگر غدیر تعطیل شود، چه می‌شود؟ مردم از دین و قرآن فاصله می‌گیرند. اقامه عزاداری و بزرگداشت عید غدیر جزء ضروریات دین ماست. از این رو بزرگ‌ترین هجمه‌های دشمن روی ولایت است، مخصوصاً شبکه‌های وهابیت. از این رو احیای امر ولایت از اوجب واجبات است.

فرهنگ جهانی غدیر

بزرگواری می‌فرمود: غدیر باید یک پزند شود. باید این را در جامعه و دنیا جا انداخت که غدیر یک واقعه نیست، یک جریان فکری است؛ بنابراین، نباید در این یک روز خلاصه شود. شناخت غدیر مهم است. اهل هنر و اهل فکر بنشینند فکر کنند و به بهترین شکل ممکن غدیر را احیا کنند. حضرت علی علیه السلام همه هستی خود را در راه احیای دین گذاشت.

فرهنگ غدیر باید جهانی شود. به یک روز اکتفا نکنیم. غدیر را باید در طول سال زنده نگه داریم. بیاییم مقداری هم وقف غدیر کنیم. در منازل و مساجد، جشن برگزار کنیم. چراغانی کنیم. عیدی بدهیم، لباس نوبپوشیم. دیدار مؤمنین، عیادت بیماران، و عفو و بخشش در این ایام را فراموش نکنیم. فروشگاه‌ها تخفیف ویژه به این ایام اختصاص بدهند. عیادت مریض‌ها برویم. غدیر باید با این حرکت‌ها پر شور شود.

غدیر و سبک زندگی

متأسفانه غدیر در جامعه ما غریب است. وقتی ما وظیفه‌مان را نسبت به غدیر انجام داده‌ایم که غدیر سبک زندگی ما را بسازد. چطور شب یلدا یا عید



نوروز وارد سبک زندگی مردم شده است، غدیر که عیدالله الأكبر است هم باید سبک زندگی ما را تغییر بدهد.

اگر می‌خواهی برای همسرت لباس بخری، روز غدیر بخر، اگر می‌خواهی عیدی بدهی، روز غدیر بده. تا وقتی این سبک زندگی تغییر نکرده، معلوم است ما غدیر را بین شیعیان ترویج نکرده‌ایم. غدیر که عیدالله الاکبر است، باید بیش از ایام دیگر بروز کند. اگر بیشتر بروز کرد، معلوم است که ما تازه غدیر را یک قدری بین شیعیان تبلیغ کرده‌ایم.

به نام امیرالمؤمنین ع خدمت کنیم، اگر اطعام می‌کنیم، به اسم غدیر اطعام کنیم. ما با غدیر خوشبختیم، سعادت مندیم، آرامش داریم و این را مردم باید ببینند. اگر در جامعه ما ولایت و برائت جا افتاده بود، برائت از دشمنان اهل بیت و ولایت اهل بیت و محبان اهل بیت ع طبیعتاً آن وقت «مرگ بر اسرائیل» را هم کامل می‌فهمیدند. چون وقتی طاغوت اعظم را بشناسند، طاغوت ملحق به آن راهم می‌شناسند.



مسابقه کتابخوانی



همراه با کاروان غدیر

پس از معرفی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله از جانب خداوند متعال در روز غدیر خم، اصحاب ائمه علیهم السلام و علمای ربانی در طی چهارده قرن، تلاش فراوانی را در جهت اثبات غدیر خم نموده و هزاران اثر ماندگار در قالب کتاب، شعر، سخنرانی و... از خود به جای گذاشته‌اند.

اما به نظر می‌رسد امروزه با توجه به شرایط جدید لازم است در کنار نشر آثار علمی، اقدامات مناسب دیگری را انجام داد تا مباحث غدیری را از حالت انفعال خارج نموده و به حالت فعال درآورد و یکی از این اقدامات، حرکت کاروان‌های غدیری در سراسر بلاد اسلامی، همانند حرکت دسته‌های حسینی در ایام محرم و صفر و به ویژه عاشورا و اربعین است، البته در قالب برنامه‌های شاد و هدفمند.

سال‌هاست که کاروان‌های شادی غدیر به صورت مردمی و در دسته‌های مختلف و قالب‌های متنوع در روز عید غدیر خم به زیبایی و با شکوه هرچه تمام به حرکت درآمده‌اند. حضور در کاروان‌های غدیری حس و حال عجیبی

دارد؛ گویا یادآور حرکت کاروان حجة البلاغ رسول خدا ﷺ به سمت غدیر خم برای ابلاغ پیام الهی غدیر به عموم مردم است.

به حق این حرکت نمادین در راستای رساندن پیام غدیر با صدای رسا و گویا به عموم جامعه است که اگر همانند عاشورا و اربعین به صورت همگانی و بین المللی برگزار گردد، جامعه اسلامی و جامعه جهانی را نیز از پیام غدیر آگاه و بهره‌مند خواهد ساخت.

کاروان‌های زیبای غدیری به تناسب فرهنگ‌های مختلف در هر شهر و دیار و کشوری با ذوق و سلیقه‌های اشخاص، گروه‌ها و نهادها، به صورت‌های گوناگون و در قالب کاروان‌های وسایل نقلیه، از قبیل دسته‌های بزرگ و کوچک، و در قالب هیئت‌های مذهبی به سمت حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام، امامزادگان عظیم‌الشان، یا مساجد بزرگ شهر حرکت می‌کنند. و گاه به صورت کاروان‌های دوچرخه سواری، موتور سواری، کاروان‌های ماشینی با خودروهای شخصی، تریلرها و کامیون‌های مزین به پرچم‌های غدیر و حتی قافله‌های زیبا و سنتی شتری با آذین‌های سبز غدیری در سطح شهرهای بزرگ و کوچک حرکت می‌کند.

از ویژگی‌های این کاروان‌های زیبا، هم‌خوانی سرودهای مذهبی، مولودی‌ها و ثناخوانی اهل بیت علیهم‌السلام، همراه با ندای زیبای علی ولی الله است که با ایستگاه‌های صلواتی مردمی و خودجوش و پخش شربت، شکلات، شیرینی، پرچم‌های رنگی، بادکنک‌های غدیری ویژه کودکان و... همراه است و باعث برگزاری با شکوه و با عظمت جشن بزرگ و آسمانی عید غدیر شده و جشن‌های مهم ولایت و امامت را از درون خانه‌ها و مساجد و حسینیه‌ها و

جلسات خصوصی به سطح جامعه کشانده و همایش‌های ولایت و امامت را به نوعی تبدیل به رزمایش ولایت نموده و در سطح وسیع‌تر و عمومی‌تر به جامعه منتقل می‌سازد.

کاروان‌های غدیر با ایجاد شور و ترویج شعور به احیای شعار ولایت پرداخته و با هدف ترویج امامت و ارزش ولایت، همان کارکردهای عاشورا و کاربردهای اربعین را از قالب عزاداری به سمت سرور و شادی ایام ولایت و امامت در غدیر منتقل می‌سازد و جشن بزرگ آسمانیان را به گوشه‌ای از زمین منتقل ساخته و فرمایش حضرت امام علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحیه و الثناء - را محقق می‌سازد که فرمودند: «روز غدیر نزد اهل آسمان مشهورتر از اهل زمین است.»^۱

پیشینه کاروان‌های شادی غدیر

اگر بخواهیم به سابقه این حرکت زیبا برگردیم، باید به سراغ آثار حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام و کتب تاریخی قرن‌های گذشته رفته و آن را مرور نماییم. با مراجعه به ثقلین که هدایت‌گر بشریت تا قیام و قیامت است، متوجه این موضوع بس شگفت‌آور می‌شویم که «تجمع حول محور امامت و ولایت»، از عالم ملاتک آغاز و به عالم ذر منتقل، سپس در نشئه طبیعت خاکی محقق شد و در امتداد تاریخ بشریت از غدیر خم تا به امروز، و از امروز تا ظهور صاحب غدیر، و از آن پس نیز تا قیامت و صحرای محشر در کنار میزان الاعمال ادامه پیدا خواهد کرد. آنچه مهم است وظیفه مهم و اساسی امروز ماست تا این

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۴.

اصل دین را به درستی شناخته و ترویج نماییم.

بر اساس روایات، عالم ذر، نخستین تجمع حول محور ولایت بوده است. حضرت امام صادق علیه السلام در باره آیه **﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ﴾**^۱ فرمودند:

كَانَ الْمِيثَاقُ مَأْخُودًا عَلَيْهِمْ لِلَّهِ بِالرُّبُوبِيَّةِ وَ لِرَسُولِهِ بِالنُّبُوءَةِ وَ
لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّةِ بِالْإِمَامَةِ فَقَالَ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ وَ مُحَمَّدٌ نَبِيُّكُمْ
وَ عَلِيٌّ إِمَامُكُمْ وَ الْأَئِمَّةُ الْهَادُونَ أَيْمَنُكُمْ فَقَالُوا بَلَى فَقَالَ اللَّهُ لَمَّا تَقُولُوا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛^۲ این پیمان عبارت بود از اقرار
به ربوبیت برای خدا، و نبوت برای رسول خویش، و امامت برای
امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام. سپس فرمود: آیا من خدای شما نیستم و
محمد پیامبرتان و علی امامتان و امامان راهنما ائمه شما نیستند؟
گفتند: چرا! آن‌گاه فرمود: اقرار گرفتیم، تا این‌که روز قیامت مدعی
نشوید که ما از این مطلب غافل بودیم.

اولین کاروان غدیر در عالم خاکی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از ابتدای بعثت که نبوت خود را آشکار نمودند، به
مناسبت‌های مختلف، جانشینی امیرالمؤمنین علی علیه السلام را اعلام می‌نمودند.
اما مهم‌ترین اعلام رسمی و عمومی در حجه‌البلاغ و در غدیر خم اتفاق افتاد.
پیامبر اکرم علیه السلام کاروان عظیم حجاج را به سمت وادی غدیر حرکت دادند،
حتی دستور دادند زائران یمنی که مسیرشان به سمت جنوب مکه بود،

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۲۶۸.

برخلاف مسیر یمن، به سمت شمال مکه حرکت کنند و به مردم مکه نیز دستور دادند شهر خود را ترک نموده تا در کاروان غدیر شرکت نمایند.

اولین کاروان غدیر با شکوه هرچه تمام تر و با جمعیتی بالغ بر یکصد و بیست هزار نفر که در آن زمان جمعیتی بسیار قابل توجه بود به حرکت در آمد، و سرانجام در وادی غدیر پیمان عالم ذر را تجدید نموده و برای امامت و ولایت از امیرالمؤمنین علیه السلام تا حضرت مهدی علیه السلام از مردم بیعت گرفتند و این چنین دین اسلام را کامل و نعمت را بر مسلمین با بیعت برائمه اطهار علیهم السلام تمام نمودند.

کاروان های پرشکوه ملائکه در آسمان

بر اساس روایات، با انتصاب امیرالمؤمنین علیه السلام به امامت و تحقق اهداف تمام انبیا و اولیای الهی در روز غدیر، هر سال در چنین روزی جشن بسیار با عظمتی در آسمانها برپا می شود و فرشتگان الهی که عظمت این روز را بهتر و بیشتر از زمینیان درک می کنند در قالب کاروان غدیر به سمت قصرهای بهشتی حرکت نموده و جشن و سروری فوق تصور ما برگزار می نمایند.^۱

نخستین تجمع گسترده بشری پس از غدیر خم

پس از حادثه با عظمت غدیر خم و انتصاب الهی امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خلافت بلافصل و جانشینی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، هرچند خلافت غصب شد و برای شیعیان مجالی جهت برگزاری تجمع غدیری حاصل نشد، اما شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام به دنبال فرصتی مناسب بودند تا در روز غدیر خم،

۱. تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۴.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عید اسلامی را برگزار نمایند.

شاید نخستین گزارش تاریخی در باره برگزاری تجمع غدیری و حرکت کاروان‌های شادی غدیر که از لا به لای کتب تاریخی به دست ما رسیده، مربوط به بیش از هزار سال قبل در بغداد می‌باشد.

جشن و سرور در عید غدیر خم در عصر آل بویه، در سال ۳۵۲ قمری برگزار شد. حکومت آل بویه برای نشان دادن جایگاه این عید، آن را تعطیل و جشن عمومی اعلام نمود و نهادهای حکومتی و مردم را به برگزاری جشن‌ها و آذین‌بندی شهرها ترغیب کرد.^۱

آنان در این جشن‌ها از طبل و شیپور استفاده می‌کردند، به زیارت مشاهده مشرفه می‌رفتند، نماز عید می‌خواندند، شتر قربانی می‌کردند و شب هنگام آتش روشن کرده، به جشن و شادی می‌پرداختند.^۲ چنان‌که گردیزی این روز را جزو روزهای بزرگ اسلامی و اعیاد شیعیان برشمرده است.^۳

شیعیان بغداد به فرمان معزالدوله مراسم یادبود غدیر خم را جشن گرفتند. چادرها برافراشتند و پارچه‌ها آویختند و با زینت بیرون آمدند و شب در مجلس شرطه پلیس جشن آتش افروزی برپا کرده طبل و شیپور نواختند و روز بعد، سحرگاهان شتری قربانی کرده به زیارت مقابر رفتند.

همدانی در ضمن وقایع سال ۳۵۲ گفته است که در شب پنجشنبه هیجدهم ذیحجه که شیعه آن را غدیر خم می‌نامند، در بازارها آتش افروختند،

۱. البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۱۱، ص ۲۷۶.

۲. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ابن جوزی، ج ۱، ص ۱۴.

۳. زین الاخبار، گردیزی، ص ۴۶۶.

در آن شب به همان‌گونه که در شب‌های عید مرسوم است، دکان‌ها تا صبح باز بود و افرادی طبل و شیپور می‌زدند و به زیارت کاظمین (مرقد حضرت امام کاظم و امام محمد تقی علیهما السلام) رفتند و نماز عید به جا آوردند. و مراسم عید غدیر، سال‌ها به همین ترتیب برپا می‌شد.

ابن جوزی در ضمن وقایع سال ۳۸۹ گفته است که شیعه در کرخ و باب‌الطاق بنا بر عادت جاری خود، در روز عید غدیر خیمه‌های بزرگ برپا داشتند و جامه‌های زیبا بر آن‌ها آویختند و اظهار سرور کردند، در شب عید، آتش افروختند و بامداد، شتری نحر کردند.^۱

حرکت کاروان غدیر در عراق

از دیرباز تا کنون شیعیان عراق و سایر بلاد، در قالب کاروان غدیری در عید سعید غدیر خم به سمت نجف اشرف به منظور زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام رهسپار می‌شدند. علت حرکت شیعیان به سمت نجف اشرف در روز عید غدیر روایتی از امام رضا علیه السلام است که فرمودند:

أَيْنَمَا كُنْتُمْ فَأَخْضِرُوا يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام؛^۲ در هر جا که

باشی سعی کن در روز عید غدیر نزد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام حاضر شوی.

حرکت کاروان‌های شاد غدیری به سبک و سیاق مشابه اربعین و برپایی موکب‌های جشن و سرور در مسیر نورانی کربلا به سمت نجف، آثار و برکات فراوانی از جمله معرفی ولایت و امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به جهانیان

۱. الکامل فی التاریخ، ج ۸ ص ۵۵۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۸۸.

خواهد داشت که امید است در آینده نزدیک این امر محقق شده و مردم سراسر جهان در ایام غدیر به سمت نجف اشرف حرکت نمایند.

استمرار جشن های غدیری تا به امروز

پس از اقدام زیبای حکومت آل بویه در برگزاری جشن های غدیریه در سطح جامعه آن روز و برگزاری تجمعات و کاروان های شاد غدیری در عراق به ویژه نجف اشرف، تا به امروز در هر زمان و مکانی که شیعیان موقعیت را مناسب دیده و توانسته اند، در راستای عمل به توصیه و فرامین ائمه معصومین علیهم السلام، عید غدیر خم را جشن گرفته و به شادی و سرور پرداخته و تجمعات غدیری را برپا نموده اند؛ چرا که همراهی با کاروان های شاد غدیر، در حقیقت ادامه دهنده مسیر ولایت از عالم ملاتک و عالم ذر تا تجمع حاجیان حجه البلاغ در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری است.

مسابقه کتابخوانی



نظر مراجع عظام تقلید در باره کاروان های غدیری

با برپایی کاروان های غدیر در سراسر کشور مراجع معظم تقلید و علمای بزرگوار شیعه ضمن حمایت همه جانبه از این برنامه الهی خود نیز در این مراسم باشکوه شرکت نمودند.

آیت الله مکارم شیرازی رحمته الله علیه

فرمودند: عید غدیر پایه ولایت بوده و همه این ها بر پایه ولایت می چرخد. عده ای از کسانی که احساس مسؤلیت می کردند دست به دست هم دادند تا موج تازه ای در غدیر ایجاد کنند، از جمله برنامه هایی که بناست انجام شود، برنامه راهپیمایی از حرم تا حرم، یعنی حرم حضرت معصومه علیها السلام تا مسجد مقدس جمکران است که عصر روز غدیر برگزار خواهد شد که باید راهپیمایی باشکوه و عظیمی باشد. بنده هم - ان شاء الله - در بخشی از راهپیمایی به مقداری که توان هست شرکت خواهم کرد.

در سایر شهرها نیز سزاوار است این برنامه اجرا شود تا غدیر فراموش نشود، غدیر از واضح ترین دلایل امامت است. به مقدسات دیگران هرگز نباید اهانت کرد. در باره غدیر و اهمیت آن باید برنامه ریزی و مراسم را باشکوه و عظمت

برگزار کنیم. اهمیت دادن به غدیر و این که غدیر از مظلومیت در آید، برکاتی برای ملت و امت خواهد داشت. این کار باید صورت گیرد تا برخی خیال نکنند که دین تنها عزاداری دارد و به شادی اهمیت نمی دهد.

آیت الله وحید خراسانی حفظه الله

فرمودند: همه انبیا مقدمه اند. تمام وحی و تورات و انجیل و زبور و قرآن مقدمه هدایت اند. «انتم ابواب الهدی». تا باب پیدا نشود، راه ابداً مسدود است. دین، مرضی به غدیر است. اتمام نعمت، به غدیر است. عید قربان و عید فطر عید مسلمین قرار داده شده: «جعلته للمسلمین عیداً»؛ اما «عید الله الاکبر» غدیر است. لذا احیای غدیر عقلاً و شرعاً به جمیع جهات از ازم لوازم است. هر چه کار کنید، اظهر مصادیق احیای امر آل محمد، یوم غدیر است. شیخ مفید عالمی است، کَیْفَ عالم! او می فهمد قضیه از چه قرار است. ان شاء الله هر چه سعی و کوشش کنید در احیای غدیر اجرتان لایعد و لایحصى است. «رحم الله من احیاء امرنا». ان شاء الله این همّت به ثمر می رسد و هر سال رونق، بیشتر می شود. «یحزنون لحزننا ویفرحون لفرحنا».

مظهر این فرح، غدیر است. هر هیئتی برای غدیر بیرون بیاید برهانی است. ان شاء الله با همّت شماها این روز احیا می شود. اجر این جمع حساب ندارد. در بین راه علی علی بگوئید. هر چه هست علی است. او «لا یدرک و لا یوصف» است: ان شاء الله این سنت احیا شود. البته رعایت مسائل شرعی را بکنند، یعنی رقص و طرب نباشد.

آیت الله صافی گلپایگانی حفظه الله

فرمودند: شایسته است که دستداران امیرالمؤمنین علیه السلام در این روز (عید سعید غدیر) مراسم جشن و سرور و شادمانی را با عظمت و شکوه بسیار برگزار نمایند و در نماز جماعت عید غدیر که مستحب است شرکت نمایند و به حالت اجتماع در جشن‌های این عید سعید حضور داشته باشند. تجلیل از عید سعید غدیر وظیفه همه شیعیان و دستداران خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام است. احیای امر غدیر، یعنی احیای تمام دستورات شرع مقدس اسلام که اکمال دین و اتمام نعمت بزرگ خداوند می‌باشد.

غدیر سرمایه‌ای است که از آن استفاده نکردیم و اگر استفاده کردیم استفاده ضعیفی بوده است. در حالی که پیشینیان اهمیت بیشتری به غدیر می‌دادند! حال این‌که چه دلیلی داشته که غدیر با گذشت زمان کم‌رنگ‌تر شده، باید بررسی و به آن توجه کرد. برای شادی در ایام شادی اهل بیت علیهم السلام فرهنگ‌سازی شود تا مردم در کنار عزاداری، با شادی اهل بیت علیهم السلام هم آشنا شوند.^۱

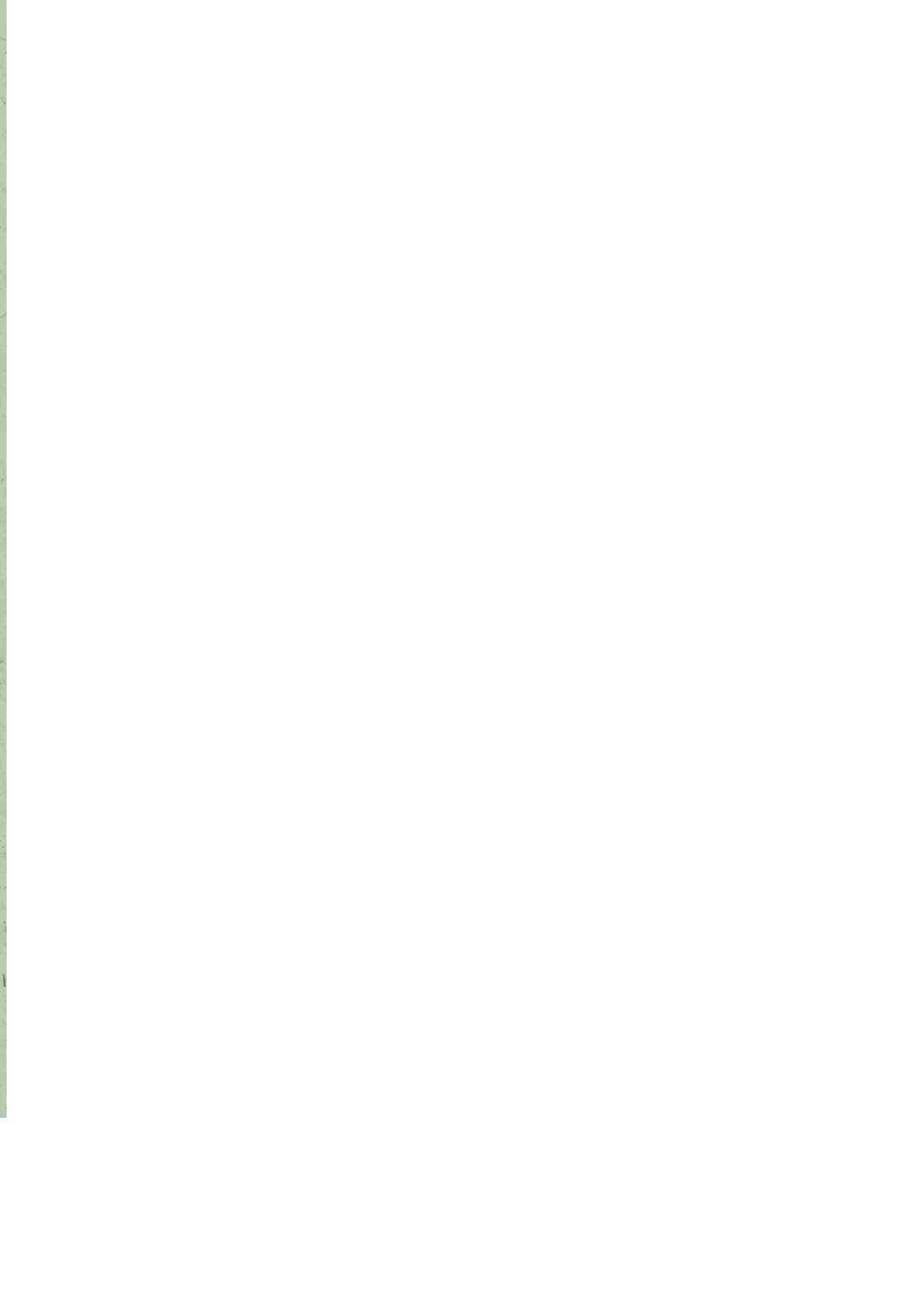
آثار و برکات برپایی کاروان غدیر

برخی از آثار فراوان کاروان‌های غدیری عبارت است از: احیای امر غدیر، خروج غدیر از مظلومیت، خنثی‌سازی هجمه‌ها علیه غدیر، معرفی وجهه دیگری از شادی و سرور اهل بیت علیهم السلام، گسترش فرهنگ تشیع و مکتب اهل بیت علیهم السلام، و قابلیت عمل به آداب و مناسک غدیر در کاروان‌های غدیری.

۱. ستاد احیای ایام غدیریه.

با توجه به آن که حضرات اهل بیت علیهم السلام آداب و مناسک فراوانی برای این عید با عظمت بیان فرموده‌اند، در کنار برگزاری کاروان های غدیر می‌توان بسیاری از این مناسک را جامه عمل پوشاند؛ مانند برگزاری جشن های غدیری، پوشیدن لباس نو، استفاده از بوی خوش، احسان و انفاق، دیدار با مؤمنان، ذکر صلوات، اطعام، شادمان کردن دیگران، هدیه دادن، تبریک گفتن، اظهار سرور و شادمانی، مصافحه کردن، آراستن خود و ... که در اعمال عید غدیر به آن خواهیم پرداخت.

بایسته های کاروان های غدیری را نیز می‌توان در چند نکته خلاصه کرد: برگزاری مراسم به صورت سنتی، مانند مدیحه سرایی و مولودی خوانی، رعایت مسائل شرعی و حریم محرم و نامحرم، پرهیز از موسیقی، پذیرایی مناسب حتی المقدور به سبک موکب های اربعینی، اجرای برنامه های مناسب و شاد برای کودکان، مانند پخش پرچم ها رنگی و بادکنک های غدیری بین آنان، و پرهیز از مسائل اختلاف افکن و رعایت حریم واقعی وحدت.

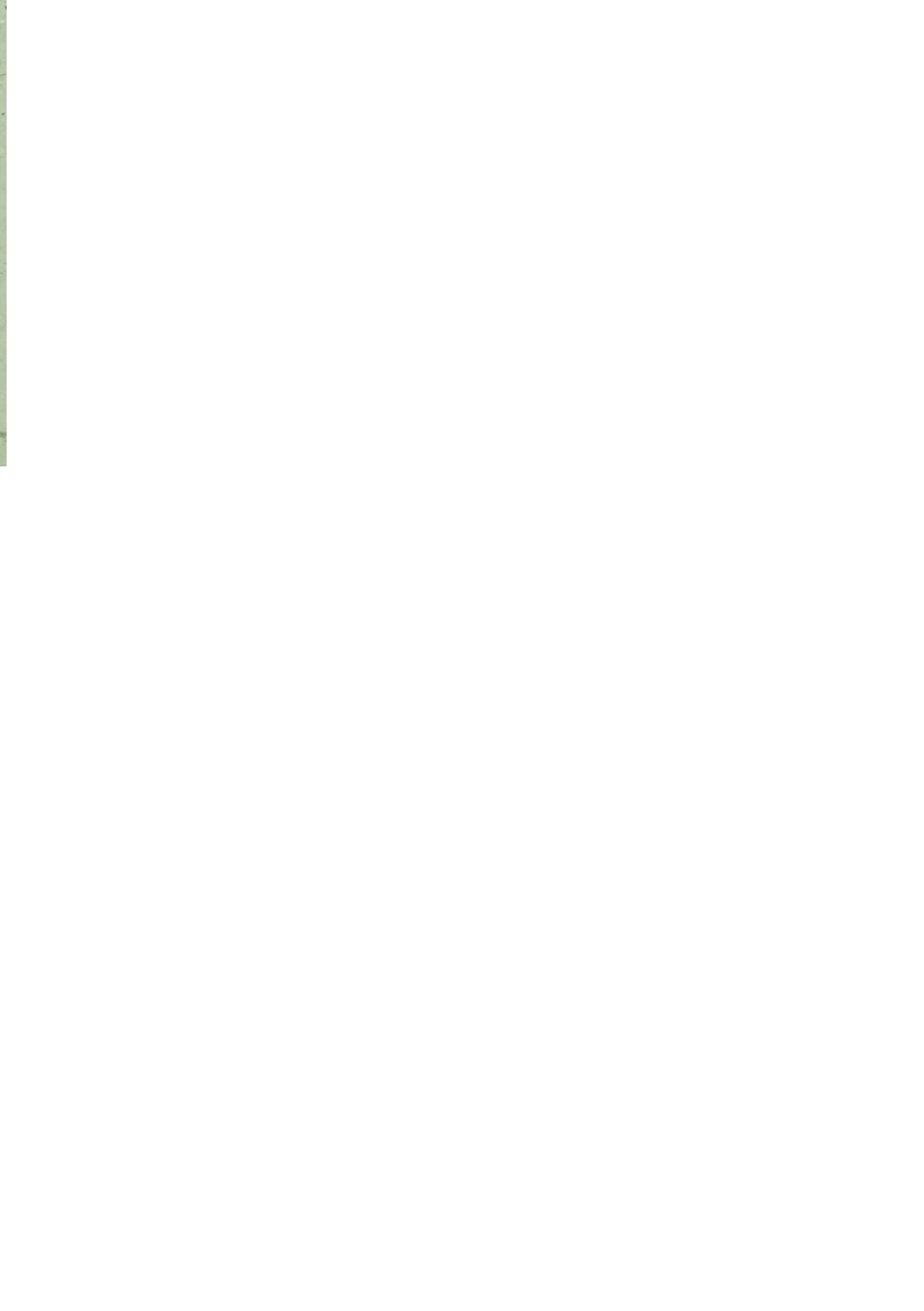


مسابقہ کتابخوانی



فصل دوم:

آرٹھانی بالیم غدیریہ



مسابقه کتابخوانی



مناسبت های ویژه ذکر شده در پرچم کاروان

۹ ذی الحجة

صدور حدیث شریف سدّ الأبواب

پس از ورود پیامبر گرامی اسلام ﷺ به مدینه و ساخت مسجد توسط آن حضرت، اصحاب در اطراف مسجد خانه‌های خود را ساختند و درب خانه‌های خود را به داخل مسجد باز نمودند و خداوند اراده کرد که پیامبر و اهل بیت طاهرین ایشان علیهم السلام را با فضیلتی بر دیگران برتری دهد. روز نهم ذی الحجة بود «التاسع منه (ذی الحجة) فیه سدّ ابواب القوم و فتح باب امیر المؤمنین علیه السلام»^۱ جبرئیل نازل شد و گفت: «درب‌های منزلی که به سوی مسجد باز شده‌اند ببندند قبل از آن‌که عذابی بر آن‌ها نازل شود. به جز درب خانه پیامبر و علی علیه السلام»^۲.

بعضی از صحابه اعتراض کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: این خداوند متعال بود که شما را بیرون کرد و حضرت علی علیه السلام را داخل نمود. ابوبکر و عمر با اصرار تقاضا کردند که به اندازه یک پنجره یا یک کف دست و یا حداقل یک چشم، فضایی به سمت مسجد باز گذارند، اما پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اجازه ندادند و فرمودند: حتی به اندازه یک سوزن هم نباید باز بگذارید.^۳

۱. بحار ج ۹۵ ص ۱۸۸.

۲. بحار ج ۳۹ ص ۲۳۳.

۳. بحار ج ۳۹ ص ۲۳ و ۲۹.

۱۰ اذی الحجّة

بیان حدیث شریف ثقلین

پیامبرگرامی اسلام از شروع بعثت و به امر الهی، سفارش اهل بیت علیهم السلام را می نمودند و در جای جای زندگیشان متذکر جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام بودند و مخصوصاً در حجة البلاغ، مکرر حدیث ثقلین را با تعابیر متعدد برای مردم بیان فرمودند.

از مهمترین موارد آن در روز حجّ اکبر (عید قربان) سال دهم هجری می باشد که امام باقر علیه السلام فرمودند: «دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَصْحَابَهُ مِنِّي فَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ أَمَا إِنَّ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا - كِتَابَ اللَّهِ وَعَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ» (من از بین شما می روم و دو گوهر گران بها در بین شما می گذارم یکی کتاب خدا و دیگری اهل بیتم را، تا زمانی که به آنان توسّل و تمسک کنید گمراه نمی شوید)^۲



تفسیر پیام غدیر، ۱: ۱۰۱ تا ۱۰۳ (ج ۱)
و «تاریخ غدیر»

۱. «عن النبي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ فِي خُطْبَتِهِ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فِي حُجَّةِ الْوُدَاعِ: أَلَا وَإِنِّي مُخَلَّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ».

۲. بصائر الدرجات، ج ۱ ص ۲۴۱۳. اثبات الهدا ج ۲ ص ۱۹۹.

﴿ ۱۰ ذی الحِجَّةِ ﴾

ابلاغ سوره توبه (برائت) توسط امیرالمؤمنین علیه السلام

در سال نهم هجری در ایام حج، آیات ابتدایی سوره توبه نازل شد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بنا بر پیشنهاد اصحاب، ابوبکر را مأمور به ابلاغ آیات سوره برائت نمودند ولی بعد از مدتی وحی نازل شد «لَا يُوَدِّيٰ عَنْكَ إِلَّا أَنْتَ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ»^۱ یعنی این عمل را غیر خودت و یا مردی که از توست نباید انجام دهد. پس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم امیرالمؤمنین علیه السلام را فرستادند و ایشان آیات را از ابوبکر گرفتند و خودشان در روز دهم ذی الحِجَّة روز حج اکبر (عید قربان) آن را بر مشرکین مکه ابلاغ کردند. «وَدَخَلْتُ سَنَةَ تِسْعٍ فِي شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ الْحَرَامِ مِنْ مَهَاجِرَةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم نَزَلَتْ هَؤُلَاءِ الْآيَاتِ ... فَلَمَّا كَانَ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ وَفَرَعَ النَّاسُ مِنْ رَمِي جَمْرَةِ الْكُؤْبَرَى قَامَ [أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ] عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام [عِنْدَ الْجُمْرَةِ فَنَادَى فِي النَّاسِ فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَرَأَ عَلَيْهِمُ الصَّحِيفَةَ بِهَؤُلَاءِ الْآيَاتِ بَرَاءَةً مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»^۲

۱. معانی الاخبار ص ۲۹۸.

۲. تفسیر فرات کوفی ص ۱۶۰.

حضرت آدم علیه السلام پس از دریافت کلمات الهی، خداوند را به پنج نور مقدس قسم داد.

ج) حضرت ابراهیم علیه السلام می خواست اسماعیل را قربانی کند و خداوند آن را با ذبح عظیم تعویض فرمود: «فَقَالَ يَا أَبَتِ أَيْنَ الْقُرْبَانُ قَالَ رَبُّكَ يَعْلَمُ أَيْنَ هُوَ يَا بُنَيَّ أَنْتَ وَاللَّهُ هُوَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي بِذَبْحِكَ»^۱.

د) تجلی نور خداوند بر موسی علیه السلام و اعطاء الواح به ایشان^۲



۱. کافی ج ۴ ص ۲۰۸ جامع احادیث الشیعه ج ۱۰ ص ۳۴۹؛ تفسیر صافی و نور الثقلین و تاریخ یعقوبی ج ۱ ص ۲۰.

۲. تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۳۹.

۱۳ ذی الحجة

اعلان عمومی لقب امیرالمؤمنین برای حضرت علی علیه السلام

روز سیزده ذی الحجة آخرین روزی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در مکه حضور داشتند. امیرالمؤمنین علیه السلام در محضر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودند در این هنگام جبرئیل امین بر پیامبر نازل شد و خطاب به حضرت علی علیه السلام عرض کرد: «السلام عليك يا اميرالمؤمنين»^۱ «وَسَلَّمَ جَبْرَائِيلُ عَلَى عَلِيٍّ يَامُرَةُ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ عَلِيُّ علیه السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَسْمِعْ الْكَلَامَ وَلَا أَحْسُ الرُّؤْيَةَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ هَذَا جَبْرَائِيلُ أَنَا مِنْ قَبْلِ رَبِّي بِتَصَدِيقٍ مَا وَعَدَنِي ثُمَّ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلًا فَرَجَلًا مِنْ أَصْحَابِهِ حَتَّى سَلَّمُوا عَلَيْهِ يَامُرَةُ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ قَالَ يَا بَلَاءُ نَادِ فِي النَّاسِ أَنْ لَا يَبْقَى غَدًا أَحَدٌ إِلَّا عَلِيًّا إِلَّا حَرَجَ إِلَى غَدِيرِ حُمٍّ»^۲ به دنبال آن پیامبر به بزرگان اصحاب دستور دادند تا نزد حضرت علی علیه السلام رفته وبا لقب امیرالمؤمنین به ایشان سلام کنند. پس امیرالمؤمنین علیه السلام رهبر و امیر تمام امت پیامبر صلی الله علیه و آله است. البته حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در سال های قبل از آن و در ابتدای بعثت (و حتی در عالم ذر) هم به لقب «امیرالمؤمنین» ملقب شده بودند، ولی در این روز اعلام عمومی بود.

۱. چون روز چهاردهم روز حرکت پیامبر از مکه به مدینه بود، و لقب «امیرالمؤمنین» روز قبل از آن اعلام شد، پس اعلام لقب روز سیزدهم بوده است.

۲. بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱۱۱.

۳. امالی صدوق ص ۳۵۵.



﴿ ۱۴ ذی الحجة ﴾

بخشش فدک به حضرت زهرا علیها السلام و نزول آیه ﴿آت ذا القربى حقه﴾^۱

در سال ششم هجری^۲ پس از جنگ خیبر^۳ منطقه بسیار بزرگ فدک توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و بدون کمک اصحاب فتح شد^۴ و مطابق آیات قرآن تمام منطقه فدک به ملکیت شخص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم درآمد. جبرئیل نازل شده آیه فدک ﴿وآت ذا القربى حقه﴾^۵ (یعنی حق خویشان را عطا کن) را آورد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تمام آن سرزمین را که حق حضرت زهرا علیها السلام بود به ایشان تحویل دادند «و یوم الرابع عشر من ذی الحجة إملاک الزهراء علیها السلام»^۶ (چون حضرت زهرا علیها السلام تنها وارث حضرت خدیجه علیها السلام بودند و بدین گونه این حق به ایشان رسید).^۷

۱ . سوره اسراء، آیه ۲۶ .

۲ . ثم كانت غزوة خیبر فی ذی الحجة من سنة بیت

۳ . اعلام الوری ص ۹۹ .

۴ . بحار الانوار ج ۱۷ ص ۳۷۸ .

۵ . سوره اسراء، آیه ۲۶ .

۶ . . بحار ج ۹۵ ص ۱۸۸ .

۷ . بحار الانوار ج ۲۹ ص ۱۱۸ .

۱۵ ذی الحجة

ميلاد امام هادی علیه السلام روز توجه به زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریّه

در پانزدهم ذی الحجة سال ۲۱۲ ه. ق یکی از وارثان غدیر و از امامان سفارش شده در غدیر، امام دهم حضرت امام هادی علیه السلام جهان را منور به قدمشان نمودند «و كان مولوده بصريا بنصف من ذی الحجة سنة اثني عشرة و مأتین» از آن امام همام میراث‌های حدیثی گران‌بهای ماندی که از زیباترین آن‌ها زیارت جامعه کبیره (یک دوره معارف امام‌شناسی) و زیارت غدیریّه (یک دوره معارف امیرالمؤمنین علیه السلام شناسی) می‌باشد.



۱۷ ذی الحجة

نزول آیه محبت (وَدَّ) در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام

در روز ۱۷ ذی الحجة (سال ۱۰ هجری) و در حجة البلاغ بعد از نماز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دعا کردند خدایا محبت علی علیه السلام را در قلوب مؤمنین و هیبت و بزرگی او را در قلوب منافقین قرار ده.^۱ سپس به امر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین سه مرتبه همین دعا را تکرار کردند خداوند این آیه را نازل فرمود **﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ * سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا﴾**^۲ (خداوند یقیناً برای مؤمنینی که عمل صالح انجام می دهند محبت امیرالمؤمنین علیه السلام را در قلوبشان قرار می دهد).

یعنی خداوند برای کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند (که امیرالمؤمنین علیه السلام در رأس و امیران‌ها هستند) محبت و موَدت قرار داد.

۱. آیه ۱۲ سوره هود در سرزمین قدید در حجة البلاغ نازل شد و در روایتی دیگر زمانی آن با آیه وَدَّ ذکر شده است؛ پس آیه وَدَّ در ۱۷ ذی الحجة در سرزمین قدید نازل شده است. الکافی، ج ۸، ص ۳۷۸ و بحار، ج ۳۵، ص ۳۵۴.

۲. بحار، ج ۳۵، ص ۳۵۴.

۳. سوره مبارکه مریم، آیات ۹۶.

۱۷ ذی الحجة

نزول آیه تبلیغ (ابلاغ)

در روز ۱۷ ذی الحجة سال دهم هجری در مسیر برگشت به مدینه پیک وحی مکرر خدمت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می رسید و امامت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام را سفارش می کرد. در نزدیکی وادی غدیر جبرئیل این آیه را آورد که: ای رسول ما آن چه از طرف خداوند درباره ولایت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به سوی تو نازل کردیم را به مردم ابلاغ کن که اگر این کار انجام نگیرد رسالت تو انجام نگرفته اس، باطل می شود. و پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مردم فرمان دادند که فردا در منطقه غدیر همه جمع شوند. «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَهُمْ الَّذِينَ هُمُوا بِرَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَمَا تَرَانِي يَا جَبْرَائِيلُ أُعَدُّكَ السَّيْرَ مُجَدًّا فِيهِ لِأَدْخُلَ الْمَدِينَةَ فَأَعْرِضَ وَلايَةَ عَلِيٍّ عَلَى الشَّاهِدِ وَالْغَائِبِ فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ عَ اللَّهُ يَا مُرْكُ أَنْ تَفْرِضَ وَلايَتَهُ غَدًا!». بنا بر بعضی از روایات آمده که صدر آیه در ۱۶، وسط آیه در ۱۷ و بقیه آیه در ۱۸ ذی الحجة نازل شده است که احتمالاً تکرار در نزول آیه است.^۲



تفسیر پیام غدیر، ۱۰۰ تا ۱۰۵ (ص ۱۰۰)

و «کتابان غدیر»

۱. إرشاد القلوب ج ۲، ص ۳۳۰.

۲. تفسیر البرهان، ج ۲، ص ۲۳۰.

۱۸ ذی الحجة

نزول آیه اکمال و اتمام

در روز عید عظیم غدیر خم و پس از خطبه پیامبر اکرم ﷺ و اقرار زبانی بیعت مردم با امیرالمؤمنین علیؑ آیه اکمال نازل شد. ﴿...الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾^۱ یعنی در روز غدیر با پذیرش ولایت امیرالمؤمنین علیؑ توسط شما دین را بر شما کامل و نعمت را بر شما تمام نمودم و از این اسلام شما راضی شدم... و با نزول این آیه مشخص شد دین بدون ولایت امیرالمؤمنین علیؑ ناتمام، باطل و مورد غضب خداست.^۲

۱. سوره مائده، آیه ۳.

۲. تفسیر فرات کوفی ص ۱۱۸.

۱۸ ذی الحجة

ایراد خطبه غدیر توسط رسول خدا ﷺ

در این روز خطبه غدیر توسط پیامبر اکرم ﷺ انشاء شد. خطبه‌ای که مشتمل بر ذکر فضایل بسیاری از امیرالمؤمنین است که تنها راه هدایت و سعادت بشر است و انذار به اینکه عاقبت دشمنی با این ولایت ورود به دردناکترین عذاب الهی است. خطبه‌ای که در شرایط ویژه بیان شد و پیامبر خدا ﷺ از همگان اقرار به شنیدن گرفتند تا بعد کسی عذر نیاورد که نشنیدم. در این خطبه بعد از بیان معارف توحیدی و نصایح اخلاقی، به الهی بودن انتخاب امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره کرده و انتخاب ائمه علیهم السلام را از طرف خدا اعلام کردند و فضایل امیرالمؤمنین علیه السلام را تا آن جا که امکان بیان آن در آن جلسه بود مطرح کردند و البته این نکته را فرمودند: من می‌دانم منافقان بسیار و مؤمنان کم هستند^۱.

۱. خطبه غدیر، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۶۳.

۱۸ ذی الحجة

عید بزرگ غدیر نصب امیرالمؤمنین علیه السلام به عنوان خلیفه بلا فصل رسول

خدا صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند متعال

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از ابتدای رسالت شان در هر مکان و موقعیتی که به دست می آمد امیرالمؤمنین علیه السلام را به عنوان خلیفه بعد از خود معرفی می نمودند، اما در روز ۱۸ ذی الحجة پیامبر علاوه بر معرفی، برای امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده امام بعد از ایشان از حاضرین بیعت گرفتند و در خطبه غرایی به این امر مهم پرداختند. و در روز عید غدیر بیش از صد هزار نفر مرد و زن حتی زنان پیامبر و صحابه با نفوذ با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کرده و از روی محبت و یا اجبار، رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام را به ایشان تبریک گفتند و در این منطقه بیش از سه روز توقف کرده تا تمام مردم بتوانند در مراسم بیعت شرکت کنند.

۱۸ ذی الحجة

تأکید رسول خدا ﷺ بر حدیث منزلت

در این روز پیامبر اسلام ﷺ در ضمن خطبه غدیر تأکید فرمودند که جایگاه امیرالمؤمنین علیاً (نسبت به) ایشان مانند منزلت حضرت هارون برای موسی علیهما السلام است. «أنت مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»^۱.

یکی از جلوه‌های درک این روایت آشنایی با مقامات هارونیه در آیات و روایات است؛ زیرا پیامبرگرمی اسلام ﷺ فرمودند: هر اتفاقی که در قوم بنی اسرائیل افتاده باشد در امت اسلام نیز اتفاق خواهد افتاد. این کلام عمیق هر انسان متفکرا را به سمت تحقیق بیشتر در مورد قوم بنی اسرائیل می‌کشاند، خصوصاً ارتباط موسی و هارون علیهما السلام (مانند اخوت، وصایت، خلافت، شرکت در رسالت ارتداد امت و...) که در تبیین ابعاد و جایگاه این روایت بسیار موثر است.



تفسیر پیام غدیر، ۱۰۹ تا ۱۱۰ (ج ۱)
و «نگارخانه غدیر»

۱. کتاب سلیم، ج ۲ ص ۷۸۱ تفسیر قمی ج ۲ ص ۱۰۹.

۱۸ ذی الحجة

روز بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در این روز پیامبرگرمی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم برای امامت امیرالمؤمنین و تمامی امامان معصوم علیهم السلام حتی برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مردم بیعت گرفته و در مورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با ۱۸ فراز به صورت کامل توضیح دادند: «**الْأَيُّمُ خَاتِمُ الْأُمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمُهْدِيُّ...**»^۱ (بدانید آخرین امام از ما حضرت قائم مهدی است...) و به من امر شده که از طرف خدا بر امر امیرالمؤمنین و ائمه بعد از ایشان که مهدی از آنهاست، از شما بیعت بگیرم «**فَأَمَرْتُ أَنْ أَخُذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَ الصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عِلِّيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَ مِنْهُ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ مِنْهُمْ الْمُهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ**»^۲.

و سزاوار است در این روز که با عنایت به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روز نمادین بیعت با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است مردم باید در طول سال با دعای عهد و مأثورات دیگر بیعت خود را با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را تجدید نمایند.

۱. خطبه غدیر، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۶۳.

۲. خطبه غدیر، احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۶۳.

۱۸ ذی الحجة

روز نصب جانشینان انبیاء الهی (عید ادیان)

انبیاء علیهم السلام مأمور بودند که اوصیاء خود را در هجدهم ذی الحجة نصب کنند و به آنان امر کنند که این روز را عید بگیرند، امام صادق علیه السلام فرمودند: مؤمنین ۱۸ ذی الحجة را عید بگیرند همانگونه که تمام انبیاء علیهم السلام وصی خود را در روز ۱۸ ذی الحجة نصب می کردند و به آنان وصیت می کردند که آن‌ها نیز وصی خود را در این روز معرفی کنند و این روز را برای خود و امتشان روز عید قرار بدهند^۱

به صورت مثال:

* نصب شیث به عنوان خلیفه حضرت آدم علیه السلام

* نصب حضرت هارون و یوشع بن نون به عنوان خلیفه حضرت موسی علیه السلام

* نصب شمعون الصفا به عنوان خلیفه حضرت عیسی علیه السلام

* نصب آصف بن برخیا به عنوان خلیفه حضرت سلیمان علیه السلام

و به این صورت ۱۸ ذی الحجة برای امت حضرت نوح، ابراهیم، موسی عیسی، سلیمان علیهم السلام و... عید است^۲.

پس این روز یک عید جهانی و متعلق به همه ادیان آسمانی است و سفارش شده در این روز بر پیامبر و اهلبیت ایشان علیهم السلام صلوات زیاد بفرستیم و بردشمنانشان لعن بسیار کنیم.

۱. کافی ج ۴ ص ۱۴۹.

۲. بحار الانوار ج ۹۵ ص ۱۹۴.



۱۸ فی الحجّة

تشریح نماز عید غدیر توسط رسول اکرم ﷺ

نماز عید غدیر مانند نماز عید فطر و قربان در ظهر عید غدیر خوانده می شود البته به کیفیتی دیگر. «فجرت السنة فی هذا اليوم بعینه بصلاة رکعتین اقتداء برسول الله ﷺ فی فعله»^۱ این نماز بنا بر نظر بعضی از مراجع عظام مستحب است جماعت خوانده شود. امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که این نماز را بخواند ثواب صد هزار حج و صد هزار عمره را می برد و هر حاجتی از خدا در خواست کند، خداوند آن را برآورده می نماید». و سزاوار است مومنین که نماز عید فطر و قربان را اهمیت می دهند به نماز عید غدیر اهمیتی بیشتر دهند.

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان نقل کرده است که «دو رکعت نماز کند و به سجده رود و صد مرتبه شکر خدا کند و سپس سراز سجده بردارد و این دعا را بخواند ... سپس به سجده رود و در حال سجده صد مرتبه «الحمد لله» و صد مرتبه «شکرا لله» بگوید^۲.

۱. المقنعة ص ۲۰۴ .

۲. مراجعه شود به مفاتیح الجنان.

۲۰ ذی الحجة

ميلاد امام جعفر عليه السلام

«وُلِدَ بِالْأَبْوَاءِ، بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ، فِي شَهْرِ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةَ مِائَةٍ وَسَبْعَةٍ وَ عَشْرِينَ مِنَ الْهِجْرَةِ»^۱ امام کاظم عليه السلام در ماه ذی الحجة سال ۱۲۷ هجری در سرزمینی به نام ابواء که ما بین مکه و مدینه بود متولد شدند. در تقویم روز بیست ذیحجه به عنوان ولادت ثبت شده است و البته در بعضی از منابع نیز میلاد امام کاظم عليه السلام در هفت صفر روایت شده که با عنایت به شهادت امام حسن مجتبی عليه السلام در هفتم ماه صفر که در مآثورات متعدد آمده است تجلیل آن در بیست ذیحجه بهتر است زیرا:

اولا میلاد امام کاظم عليه السلام در بیستم ذی الحجه اعتبار بیشتری دارد.

ثانیا مرسوم در عتبات و حتی حرم امام کاظم عليه السلام این است که هفت صفر را عزا می گیرند.

و ثالثا اگر در یک روز در یک خانواده دو حادثه صورت گیرد مثلا فرزندی از آن خانواده به سختی کشته شود و در آن روز نیز فرزندی به دنیا آمده باشد عرفا کسی به آن خانواده تبریک نمی گوید بلکه بخاطر مصیبت وارده تسلیت گفته و تبریک گفتن بخاطر میلاد را خلاف ادب می شمارد.

رابعا محرم و صفر عزای امام حسن و امام حسین عليهم السلام است و حرمت آن باید نگه داشته شود

پس سزاوار است ۷ صفر را به عزاداری بپردازیم. و میلاد امام کاظم عليه السلام را در ذی الحجه جشن بگیریم.

۱. دلائل الامامة ص ۳۰۳.



﴿ ۲۰ ذی الحجة ﴾

معجزه غدیر و نزول آیه سائل بعداب واقع (هلاکت دشمن

امیرالمؤمنین علیه السلام)

پس از مراسم بیعت گرفتن برای امیرالمؤمنین علیه السلام منافقین برآشفته شدند، «فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ وَجَلَسَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَجْلِسَهُ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنْ بَنِي مَخْزُومٍ يُسَمَّى عُمَرُ بْنُ عُتْبَةَ وَفِي خَبَرِ آخَرَ حَارِثَ بْنِ النُّعْمَانِ الْفِهْرِيِّ فَقَالَ...»^۱ در این میان حارث بن نعمان فهري رهبری امیرالمؤمنین علیه السلام را نپذیرفت و با لحنی توهین آمیز به این انتخاب اعتراض کرد. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: این به امر خدا بوده نه من. ولی حارث سر را به سوی آسمان بلند کرده و گفت: خدایا اگر محمد راست می گوید، سنگی بر من بیار و اگر دروغ می گوید عذابی بر او نازل کن. وقتی از پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دور شد، پرنده ای در آسمان ظاهر شد و سنگی را که همراه داشت بر سر او رها کرد که فرق سرش را سوراخ و از انتهای بدنش خارج شد و ابر سیاهی در آسمان برقی زد و بدن او را سوزاند و در این هنگام این آیات نازل شد: «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ * لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ»^۲ و این معجزه مانند معجزه اصحاب فیل بود.^۳

۱. بحار الأنوار ج ۳۷ ص ۱۶۶.

۲. سوره معارج آیات ۱ و ۲.

۳. جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۲.

۲۱ ذی الحجة

روز صدور حدیث بساط (فرش پرنده)

در روز ۲۱ ذی الحجة زمانی که پیامبر در مدینه بودند، پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرشی را پهن کرده و امیرالمؤمنین علیه السلام، سلمان، ابوذر، عمار، ابوبکر، عمر و... بر روی آن قرار گرفتند و امیرالمؤمنین علیه السلام به فرش فرمان دادند که به سمت غار اصحاب کهف حرکت کند و فرش به پرواز درآمد و در کنار غار بر زمین نشست. صحابه بر اصحاب کهف سلام کردند اما جوابی نشنیدند امیرالمؤمنین علیه السلام بر آن‌ها سلام کردند اصحاب کهف با صدای فصیح جواب سلامشان را دادند و به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام اقرار کردند و گفتند ما بجز پیامبر و وصی او علیه السلام با کسی سخن نمی‌گوییم سپس با همان فرش به نزد پیامبر برگشتند و جریان را تعریف کردند اجبریل آمد و این آیه نازل شد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۲ و همه متوجه شدند که مراد از اولی الامر، امیرالمؤمنین است و در روایات بسیار زیاد مطرح شده که مراد از اولی الامر امیرالمؤمنین علیه السلام و یازده فرزند معصوم اویند و این لقب خاص اهل بیت علیهم السلام است.



۱. الاصول الستة عشر ص ۱۲۸.

۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۵۹.

۲۱ ذی الحجة

روز نزول آیه اولی الامر

در گزارش حدیث بساط آمده است که آیه <اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم>^۱ نازل شد. پس نزول این آیه هم در ۲۱ ذی الحجة می باشد. در روایات وارد شده است که این آیه مخصوص اهل بیت علیهم السلام است. «و هو خاص لنا»^۲ و فرمودند: «اینانا عنی خاصة»^۳. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: مراد از آیه اولی الامر چیست؟ فرمودند: «اولی الفقه و العلم». بعد سؤال کردند: آیا عام است؟ (یعنی هر صاحب فقه و علمی را شامل می شود؟) فرمودند: نه. بلکه مخصوص ما اهل بیت است^۴. و امام رضا علیه السلام اولی الامر را مشخص کردند، از امیرالمؤمنین سپس امام حسن و امام حسین تا حضرت مهدی علیه السلام^۵. و در ادامه آیه می فرماید: «اگر در مورد چیزی در امور (مانند امامت، رهبری، احکام و ...) اختلاف کردید آن را به خدا و رسول او ارجاع دهید اگر ایمان به خدا و روز قیامت دارید.

۱. سوره نساء آیه ۵۹.

۲. تفسیر فرات کوفی ص ۶۶۰.

۳. کافی ج ۱ ص ۲۷۶ و ج ۲ ص ۷.

۴. تفسیر فرات کوفی ص ۶۰۱.

۵. کافی ج ۲ ص ۲۱.

۲۲ ذی الحجة

مصونیت پیامبر ﷺ در توطئه هرشا

۱۴ نفر از منافقین قبل از غدیر به دنبال شکست و عدم انجام غدیر بودند و در این راه توطئه‌های متعددی کردند اما موفق نشدند. ولی باز هم از توطئه دست برنداشتند و در ۲۲ ذی الحجة هنگام بازگشت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه قصد ترور رسول خدا ﷺ را داشته‌اند که با آمدن جبرئیل و خبر دادن به ایشان این توطئه خنثی شد^۱ و بدین گونه صدق کلام پیامبر خدا ﷺ در خطبه غدیر که فرمودند: «لعلمی بقلّة المتّقین و کثرة المنافقین» و صدق آیه «والله یعصمک من الناس»^۲ ظاهر شد. این افراد را حذیفه و عمار دیدند و شناختند و آنان را منافق شناس نامیدند. و هرکسی را که حذیفه در نماز میّت او شرکت نمی‌کرد می‌فهمیدند که جزء منافقان است^۳.

۱. احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۵۹.

۲. سوره مائده آیه ۶۷.

۳. واقعه هرشا در اولین شب حرکت پیامبر از غدیر اتفاق افتاد و چون پیامبر عصر روز ۲۱ حرکت کردند، پس واقعه هرشا در روز ۲۲ ذی الحجة بوده است. تفسیر قمی ج ۱ ص ۱۷۴.



﴿ ۲۴ ذی الحجّه ﴾

عید بزرگ مباحله

امام رضا علیه السلام بزرگترین فضیلت قرآنی امیرالمؤمنین علیه السلام را آیه مباحله معرفی کردند.^۱ جریان از این قرار بود که در پی نامه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به پادشاهان مناطق اطراف و دعوت آنها به اسلام، از سوی پادشاه نجران گروهی به مدینه آمدند که بعد از دیدن حق باز هم ایمان نیاوردند. امرالهی صادر شد تا مباحله صورت گیرد (یعنی دو طرف در یک مکان دعا کنند و دعای هر کس مستجاب شد دلیل برحقانیت اوست) اما مسیحیان نجران هنگامی که در ۲۴ ذی الحجّه برای مباحله آمدند علائم عذاب را دیدند بعضی از آنها ایمان آورده و بعضی دیگر حاضر به پرداخت جزیه شدند و این چنین حقانیت پیامبر و امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بر همگان ثابت شد. از نکات این جریان نفس بودن امیرالمؤمنین برای پیامبر صلی الله علیه و آله است و نکته دیگر این که در آن زمان ابراهیم پسر پیامبرزنده بودند ولی پیامبرایشان را برای مباحله همراه خود نبردند.

۱. الفصول المختاره ص ۲۲۸. اعلام الوری ج ۱ ص ۲۷۶ / و مرآة العقول ج ۱۴ ص ۲۶۷ ذیل بحث نوادر.

❁ ۲۴ ذی الحجة ❁

نزول آیه تطهیر در جریان مباحله

آیه تطهیر ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱ چندین بار نازل شده است. یکی از موارد مهم نزول آن بعد از مباحله و در جریان حدیث کساء است مطابق این آیه اهل بیت علیهم السلام از هر جهل، پلیدی، و نقصی تکوینا بری و پاکند و پلیدی از آن‌ها دفع شده نه رفع و این آیه شریفه بزرگترین دلیل بر عصمت آن‌ها می باشد و این آیه علاوه بر عصمت، امامت و رهبری، همسان بودن با قرآن و... را برای اهل بیت علیهم السلام اثبات می کند و به نص کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همسران پیامبر از این آیه خارج هستند.^۲



تفسیر پیام غیره: ۱- (تذکره ابن حبه)
و «تذکره ابن عسکری»

۱. سوره احزاب آیه ۳۳.

۲. غرر الخبار و درر الآثار ص ۲۹۸.

﴿ ۲۴ ذی الحجّه ﴾

نزول آیه ولایت و خاتم بخشی امیرالمؤمنین علیه السلام

روزی عبد الله بن سلام در خانه ی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ایشان عرضه داشت: ای پیامبر خدا برای ما جانشین خود را معرفی کن. در این هنگام جبرئیل آیه ولایت **﴿ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴾** را بر پیامبر نازل کرد و پیامبر برای دیگران تلاوت نمودند. به امر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همه به مسجد رفتند تا شخص مورد نظر این آیه را پیدا کنند. در حین رسیدن به مسجد دیدند فقیری آرام و خوشحال در حال بیرون آمدن از مسجد است. از او پرسیدند: از کجا می آیی و چرا خوشحالی؟ گفت: ساعتی قبل وارد مسجد شدم و از مردم درخواست کمک کردم، اما هیچکس به من اعتنایی نکرد. به آسمان رو کردم و گفتم: خدایا من از این مردم کمک خواستم و کسی جوابم را نداد. در حین حرکت از کنار جوانی که در رکوع بود رد شدم و او دستش را به سوی من آورد و به من فهماند که انگشتر قیمتی‌اش را بیرون آورم و من نیز همان کار را کردم. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تکبیر گفتند. مردم نیز تکبیر گویان به سوی آن جوان حرکت کردند. او هنوز در حال نماز بود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا او را دیدند اشک در چشمان مبارکشان حلقه زد. آری، او امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که به امر الهی بر همه ولایت و سرپرستی دارد.^۱

۱. سوره مائده، آیه ۵۵.

۲. تفسیر فرات کوفی ص ۱۲۸.

۲۴ ذی الحجة

صدور حدیث شریف کساء در جریان مباحله

این حدیث در جریانات مختلف تکرار شده است که یکی از آن‌ها در مباحله است. پیامبرگرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو طرف کساء را گرفته و بر روی پنج تن انداخته، آن‌گاه به خداوند عرض کردند «هُم اهل بیتی و خاصّتی» و از خداوند پاکی آنان را طلب کرد و خداوند فرمود که تمام عالم را به خاطر آنان آفریده است^۱.

در این حدیث، حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام بدون واسطه‌ی جبرئیل سخن خدا را نقل می‌کند و خداوند وقتی از پنج تن نام می‌برد محور معرفت را حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام قرار می‌دهد (جبرئیل سؤال می‌کند: آنان چه کسانی هستند؟ خداوند می‌فرماید: «هُم فاطمة و أبوها و بعلمها و بنوها» یعنی آن‌ها فاطمه و پدر فاطمه و شوهر فاطمه و فرزندان فاطمه هستند) و در پایان، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: هرگاه در مجلسی تعدادی از شیعیان جمع شوند و حدیث کساء را بخوانند، خداوند دعای اهل مجلس را مستجاب کرده، هم و غم آن‌ها را بر طرف می‌کند و گناهان آنان با دعای ملائکه بخشیده می‌شود.



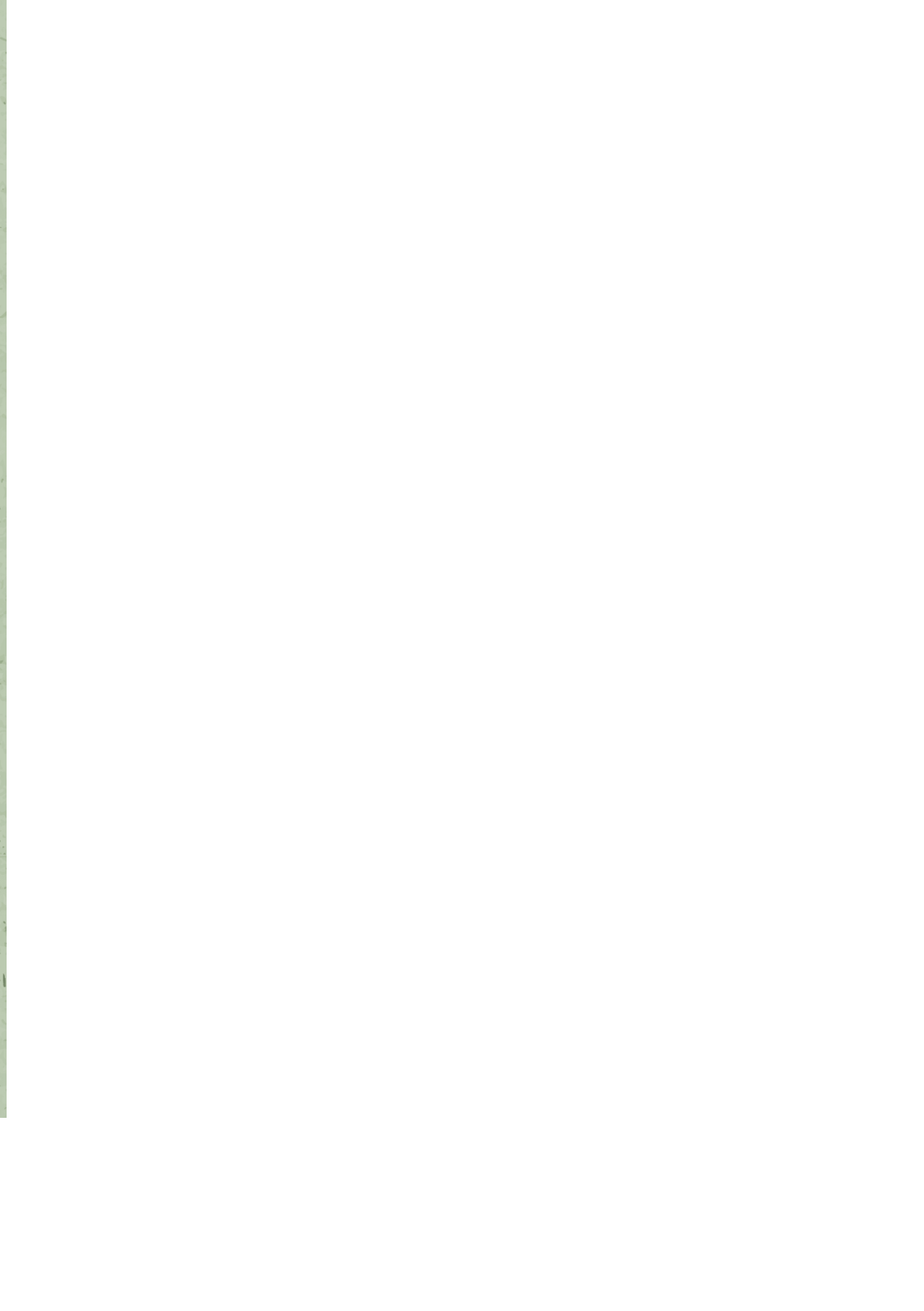
﴿ ۲۵ ذی الحجّه ﴾

نزول سوره "هل اتي" در شأن پنج تن آل عبا عليهم السلام

امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین عليهم السلام پس از سه روز روزه گرفتن و بخشیدن طعام خود به یتیم و مسکین و اسیر در شب ۲۵ ذی الحجّه، سوره مبارکه هل اتي در شأن آنان نازل شد.^۱ در سوره هل اتي که با بخشیدن چند طعام این همه آیات نازل شد، نکاتی قابل تأمل است:

۱. اطعام کردن باید «علی حبه» باشد یعنی از منشأ محبت سرچشمه بگیرد و به خاطر دوست داشتن خدا و دوست داشتن آل الله اطعام بدهیم.
۲. برای انجام کار خیر از مردم انتظار تشکر و پاداش نداشته باشیم «لانريد منکم جزاءاً ولا شکوراً».

۳. اطعام برای وجه الله باشد یعنی برای رضا و قرب الهی باشد که در ذیل آیه ﴿وِيبَقِي وَجْهٌ رَّيْبُكَوَالْجَلَالُ وَالْاِكْرَامُ﴾ تفسیر شده که مراد از وجه الله، اهل بیت عليهم السلام هستند.



مسابقہ کتابخوانی

غیر کلام

فصل سوم:

علیؑ، آفتاب ملکوت



مسابقه کتابخوانی



علی علیه السلام؛ آفتاب ملکوت

معنای زیارت

زیارت در اصطلاح به معنی دیدار شخص بزرگ و حضور در پیشگاه با عظمت اوست، به قصد اداء تحیت و عرض ادب. و این امر نسبت به دوستان و نزدیکان و خویشاندان امری عادی است، ولی در مورد پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام و بزرگان دینی از ویژگیهای خاصی برخوردار است و گفته شده به محض توجه دل بسوی آنان دیدار و زیارت تحقق پیدا می‌کند. اما چه بهتر که سالکان راه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و محبان و دوستان اهل بیت علیهم السلام برای تقرب بیشتر به منظور زیارت و دیدار محبوب خود به محضر آنان شرفیاب شوند و با شیواترین کلام و سخن، بهترین زیارت و عرض ارادت را در حضور آنان انجام دهند.

و چه بهتر که از جانب خود آن بزرگواران راه و روش زیارت و آداب تحیت را فراگیریم و آنچه را برای دوستی دو جانبه دستور داده اند عمل نمائیم.^۱

زیارت یعنی علیه السلام حضور زائر نزد مزور (زیارت شونده)، هنگامی که زائر در

۱ شفاء الصدور، ج ۱، ص ۵.

وطنش قصد عزیمت به سوی مشهد هر یک از اهل بیت علیهم السلام می‌کند خدای متعال به احترام آن زائر و احترام صاحب آن مشهد، ملائکه‌ای را به وطن آن زائر می‌فرستد تا او را همراهی کنند، آن ملائکه همراه با آن زائر به زیارت می‌آیند و بعد از اینکه قصد بازگشت نمود همراه او می‌آیند و او را به وطنش می‌رسانند و به خدمت صاحب آن مشهد باز می‌گردند و خدای متعال به آنها دستور می‌دهد که تا قیامت در حرم بمانند و از طرف آن زائر به عبادت و زیارت بپردازند.

حرم اهل بیت علیهم السلام بوی وطن می‌دهد، بوی بهشت می‌دهد و زائر در آن احساس راحتی می‌کند. لذا اغلب، زائر اولین باری که از راه می‌رسد و به حرم مشرف می‌شود بعد از زیارت آرامش فوق العاده‌ای بدست می‌آورد.

خوبان خدا سبقت در سلام دارند، و چنان‌که می‌دانید کسی نتوانست بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سلام کردن سبقت بگیرد، امروز هم وقتی ما به پیامبر و ائمه علیهم السلام سلام می‌کنیم و به زیارت آنها می‌رویم در واقع جواب سلام آنها را می‌دهیم و بازدید پس می‌دهیم. تا اول از جانب آنها سلام و عنایتی نباشد دیگران توفیق سلام و توجه به ایشان پیدا نمی‌کنند.^۱

پس زیارت مبادله محبت و ارادت است، اعلان وفاداری و تسلیم در برابر خدا و اولیاء خداست که توفیق ویژه می‌خواهد

۱. برداشتی از مصباح الهدی، ص ۲۱۲ و ۳۱۵.

زیارت یعنی ...

زیارت، حضور عارفانه عاشق در دیار معشوق، دیدار عاشقانه زائر از سرای مزور، اظهار عشق و ارادت محب به محبوب، دل دادن صمیمانه دل داده در کوی دل دار، سرسپردن سرباز فداکار در پیش پای سردار، اعلان فروتنی دین دار در برابر دین و پیشوایان دینی، و اذان ایمان و دین داری است.

زیارت اعلام وفاداری صادقانه مرید است به مراد، ابراز علاقه مطیع است به مطاع، و اعلام خود فراموشی جان برکف مخلص است نسبت به جانان. زیارت، عرضه خویشتن بر ترازو و ابزار سنجش است، ایستادن در برابر آینه و معیار کامل و نشانی کوی کمال به انسان تعالی طلب است.

زیارت سفری مشتاقانه، آگاهانه و عاشقانه است که از سرای دل آغاز می شود، از راه دل عبور می کند و سرانجام نیز در منزل دل به مقصد و مقصود می رسد و بار بر زمین می نهد.

زیارت، تعظیم، تکریم، گرامی داشت، و یاد کردن انسان های شایسته، هنرمند، فرهیخته، فرهنگ ساز، نقش آفرین، مصلح، متحول کنندگان تاریخ و... نیز زنده نگه داشتن نام و یاد آنان پس از شهادت است که لازمه محبت و عشق و ارادت انسان به نیکی ها و کمالات می باشد و ریشه در فطرت و سرشت آدمی دارد.^۱

واضح است که هر زائری با تشریف به مشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و انجام آداب و عبادات مخصوص آن اماکن مقدسه، با پیامبر گرامی اسلام

۱. ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۱۷ و ۱۸.

و حضرت زهرا و امیرالمؤمنین علیهما السلام صلوه و پیوند نموده و به آیه شریفه ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ عمل کرده است و از دشمنان اهل بیت علیهم السلام برائت و بیزاری جسته است.

اینها باعث قرب به حضرت حق جل و علی، آمرزش گناهان، استحقاق رحمت و بهشت الهی، تجدید و تازه شدن ایمان، محکم شدن اعتقادات، اصلاح اخلاق و صفات، نورانیت ظاهر و باطن، وسعت رزق‌های مادی و معنوی، نرم و مهربان شدن دلها، و تزکیه و طهارت جانهاست چنانچه امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرمود: «وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ طَيِّبًا خَلْقِنَا وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَزَكِيَةً لَنَا وَ كَفَارَةً لِدُنُوبِنَا»^۲ یعنی خدای مهربان صلوات ما بر شما اهل بیت و ولایت ویژه شما بر ما را سبب پاکیزگی آفرینش ما و پاکی جان ما و وسیله رشد و کمال ما و کفاره گناهان ما قرار داده است

جایگاه زیارت در آیات و روایات

زیارت و توسل به اولیاء الهی، امر خداست

واسطه قرار دادن اولیاء الهی برای توجه و تقرب به خدای متعال، طرح و دستور خود اوست. چنان‌که در آیات قرآن آمده؛

۱- در آیه شریفه ﴿فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾^۳ فرموده است: ای پیامبر! بخاطر آن رحمتی

۱. سوره شوری: ۲۲.

۲. مفاتیح الجنان، ص ۸۲۷.

۳. سوره آل عمران: ۱۵۹.

که از سوی خدای متعال در تو قرار داده شده تو برای امت نرم خو و مهربان شدی و اگر سخت دل و تندخو بودی از اطراف تو پراکنده می شدند. پس آنها را عفو کن و از من نیز برای آنها طلب آمرزش کن.

بسیار روشن است که در این آیه شریفه خدای متعال توسل و توجه مردم را به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و واسطه شدن او را برای مؤمنین مطرح فرموده و به آن دستور داده است و زمینه مرادده محبت آمیز را بین پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و مردم فراهم کرده است.

۲- در آیه شریفه ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾^۱ فرموده: ای پیامبر «هنگامی که مردم سراغ مرا از تو گرفتند من به آنها نزدیکم و دعای آنها را اجابت می کنم» خدای متعال مؤمنین را از این کار (که سراغ خدا را از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می گرفتند) نهی نفرموده بلکه فرموده وقتی بواسطه تو سراغ مرا می گیرند، من نزدیکم و دعای آنها را اجابت می کنم یعنی ای مردم، اگر خدا و دین خدا را می خواهید تنها راهش رفتن به سوی اولیاء خداست.

۳- همان طور که در آیه شریفه ﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۲ فرموده: هنگامی که مؤمنین بر خود ستم کردند و نزد تو آمدند (و پناه به تو آوردند و از خدا طلب آمرزش و مغفرت کردند و آن گاه رسول خدا برایشان طلب آمرزش کرد، مسلماً خدا را بسیار توبه پذیر و مهربان خواهند یافت) این آیه شریفه به خوبی امر توسل مردم به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و عنایت ویژه خدای متعال را در چنین موقعیتی آشکار فرموده

۱. سوره بقره: ۱۸۶.

۲. سوره نساء: ۶۴.

است.

۴- نمونه دیگر، واسطه قرار دادن یعقوب از سوی فرزندان اوست آنجا که گفتند **«قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ»** ای پدر برای ما (از خدا) طلب آمرزش کن ما خطاکارانیم. باید بپذیریم که از اول خلقت بشر طرح و نقشه خداشناسی و خداپرستی از طرف خود خدا این گونه طراحی شده که امت‌ها پیوسته به سراغ فرستادگان خدا بروند، به آنها پناهنده شوند و راه خدا را بیاموزند.

۵- در آیه مبارکه **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**^۲ خدای متعال امر فرموده به اهل ایمان که «ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوا پیشه کنید و در جستجوی وسیله‌ای برای تقرب به سوی خدای متعال باشید و در راه خدا تلاش کنید امید است که رستگار شوید» حال باید دید این وسیله چیست؟ آیا دوستی کردن با اهل بیت پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و توجه و توسل و عرض ادب به ساحت مقدس ایشان نمی‌تواند مصداق کاملی از این وسیله باشد، مقصد دوستان و شیعیان اهل بیت نیز از توسل و توجه و زیارت و اداء احترام به ساحت مقدس ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام همین وسیله قرار دادن ایشان است برای تقریب به خدای متعال و استمداد از قدرت، آبرو، عظمت، برکت، و کرامت‌های دیگری که خدای متعال به ایشان عطا فرموده و در شرایط خاصی متوسلین و خادمین و زائرین خویش را به اذن خدا مورد عنایت قرار می‌دهند و به آنها نور و معرفت و علم و حکمت و شفاء و عافیت

۱. سوره یوسف: ۹۷.

۲. سوره مائده: ۳۵.

و... می‌بخشند و گره‌های کور دنیوی و اخروی را که به‌دست هیچ کس باز نمی‌شود ایشان می‌گشایند، چنانچه تاکنون میلیون‌ها نمونه از اینها اتفاق افتاده و حرم‌های شریف اهل بیت پناهگاه اقشار مختلف بلکه مذاهب و ادیان مختلف بوده و هست و هر کس به‌قدر همت و ادب و معرفتش از این درگاه الهی به فیض و رحمتی نائل می‌شود و بازار خداشناسی و خداپرستی با این وسیله رونق می‌گیرد.

بسیار واضح است که هیچ یک از متوسلین و زائرین اعتقاد به خدا بودن اهل بیت علیهم‌السلام ندارند بلکه همه آنها را بندگان خوب و خالص خدا می‌دانند اما بندگان‌گی که همه، اولیاء و اوصیاء هستند و نزد خدای متعال از عزت و آبروی فوق العاده‌ای برخوردارند و همان‌طوری که خدای متعال به انبیاء و اوصیاء گذشته قدرت اعجاز و کرامت مرحمت فرموده بود به ایشان نیز در عالی‌ترین درجه‌اش عطا کرده است و همان‌طور که آنها به اذن خدای متعال از آن قدرت‌ها و کرامت‌ها استفاده می‌کردند ایشان نیز به اذن خدای متعال به بندگان خدا عنایت می‌فرمایند و راه آنها را برای تقرب و بندگی هموار می‌سازند و این مطلبی است که جای انکار ندارد. مگر برای کسانی که **﴿فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَرَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾** دل‌های شان بیمار است و خدای متعال هم (به جرم انکار حق) بر بیماری شان می‌افزاید و آنها دچار عذابی دردناک خواهند شد بخاطر اینکه معارف دین خدا را دروغ می‌پنداشتند.

توسل به اهل بیت از دیدگاه پیامبر ﷺ

پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز بر سنت شریفه زیارت و تمسک به اهل بیت علیهم السلام همگان را دعوت و سفارش فرموده‌اند:

۱. اَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا بَحْرٌ عَمِيقٌ قَدْ غَرِقَ فِيهَا خَلْقٌ كَثِيرٌ وَأَنَّ سَفِينَةَ نَجَاتِهَا آلُ مُحَمَّدٍ ﷺ

بدانید که دنیا دریای عمیقی است که در آن خلق زیادی غرق شده‌اند و کشتی نجات آن آل محمد ﷺ می‌باشند.

۲. در حدیث متواتر و معروف فرمودند:

إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ مِنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَمَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ مَنْ دَخَلَهُ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَدْخُلْهُ هَلَكَ. ۲

مثل اهل بیت من در میان شما مثل کشتی نوح است که هر کس بر آن پناه برد نجات یابد و هر کس از آن دوری کند غرق و هلاک خواهد شد و مثل ایشان مثل (حطه) درگاه آمرزش است که هر کس در آن وارد شد نجات یافت و هر کس وارد نشد هلاک گشت. زیارت اولیاء خدا و توسل به ایشان از نظر همه مذاهب اسلامی همیشه مشروع بوده و هست، تنها فرقه ضاله وهابیت در این سال‌های اخیر حرف‌های بی‌اساسی در این زمینه ترویج کرده‌اند که با فرمایشات پیغمبر خدا جانی برای چنین حرف‌هایی باقی نمی‌ماند.

۳. علامه امینی از قول شائزده تن از محدثین و حافظین اهل سنت نقل می‌کند که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

۱. بحار، ج ۱۷، ص ۲۴۲.

۲. بحار، ج ۲۳، ص ۱۰۵.

مَنْ جَاءَنِي زَائِرًا لَا تَحْمِلُهُ حَاجَةٌ إِلَّا زيارَتِي كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَكُونَ لَهُ
شَفِيعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱

هر کس به قصد زیارت نزد من بیاید و به غیر از زیارت هدف دیگری نداشته باشد بر عهده من است که در روز قیامت شفیع او باشم.

۴. علامه امینی از قول ۴۱ نفر از بزرگان اهل سنت نقل کرده که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجَبَّتْ لَهُ شَفَاعَتِي^۲

هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعت من برایش واجب می شود.
(یعنی قطعا مورد شفاعت من قرار می گیرد.)

۵. قال رسول الله ﷺ

مَنْ زَارَ قَبْرِي بَعْدَ مَوْتِي كَانَ كَمَنْ هَاجَرَ إِلَيَّ فِي حَيَاتِي فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا
فَابْعَثُوا إِلَيَّ بِالسَّلَامِ فَإِنَّهُ يَبْلُغُنِي^۳

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: هر کس پس از رحلتم قبر مرا زیارت کند مانند کسی است که در زمان حیاتم به سوی من هجرت کرده باشد و اگر توانایی (هجرت و زیارت) ندارید، به سوی من سلام بفرستید. مسلما (سلام شما) به من می رسد.

۶. در روایت مفصل دیگری درباره زیارت و آباد کردن قبور اهل

۱. الغدير، ج ۵، ص ۱۸۱.

۲. الغدير، ج ۵، ص ۱۵۸.

۳. تهذيب الاحكام، ج ۶، ص ۳.

بیت علیؑ خطاب به علیؑ فرمودند:

عَنْ أَبِي عَامِرٍ السَّاجِيّ وَاعِظِ أَهْلَ الْحِجَازِ قَالَ: أَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ قَبْرَهُ يَعْني أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَعَمَرَتْ رُبَّتَهُ قَالَ «يَا أَبَا عَامِرٍ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ لَهُ «وَاللَّهِ لَتُفْتَلَنَّ بِأَرْضِ الْعِرَاقِ وَتُدْفَنُ بِهَا» قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِمَنْ زَارَ قُبُورَنَا وَعَمَرَهَا وَتَعَاهَدَهَا فَقَالَ لِي «يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قَبْرَكَ وَقَبْرَ وُلْدِكَ بِقَاعًا مِنْ بَقَاعِ الْجَنَّةِ وَعَرْصَةً مِنْ عَرْصَاتِهَا وَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ حُجَّابٍ مِنْ خَلْقِهِ وَصَفْوَتِهِ مِنْ عِبَادِهِ تَحْنُ إِلَيْكُمْ وَتَحْتَمِلُ الْمُدَّةَ وَالْأَدَى فِيكُمْ فَيَعْمُرُونَ قُبُورَكُمْ وَيُكْتَبُونَ زِيَارَتَهَا تَقْرِبًا مِنْهُمْ إِلَى اللَّهِ مَوَدَّةً مِنْهُمْ لِرَسُولِهِ وَأَوْلِيكَ يَا عَلِيُّ الْمَخْصُوصُونَ بِشَفَاعَتِي وَالْوَارِدُونَ حَوْضِي وَهُمْ رُؤَارِي عَدَا فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ مَنْ عَمَرَ قُبُورَكُمْ وَتَعَاهَدَهَا فَكَأَنَّمَا أَعَانَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَى بِنَاءِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَمَنْ زَارَ قُبُورَكُمْ عَدَلَ ذَلِكَ لَهُ ثَوَابٌ سَبْعِينَ حَجَّةً بَعْدَ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَخَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ زِيَارَتِكُمْ كَيَوْمٍ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَأَبْشِرُوا بِبَشَرِ أَوْلِيَاءِكُمْ وَمُحِبِّيكُمْ مِنَ النَّعِيمِ وَفِرَّةِ الْعَيْنِ بِمَا لَا عَيْنَ رَأَتْ وَلَا أُذُنَ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبٍ بَشَرٍ وَ لَكِنَّ حُجَّالَةَ مِنَ النَّاسِ يُعَيِّرُونَ رُؤَارَ قُبُورِكُمْ بِزِيَارَتِكُمْ كَمَا تَعَيَّرَ الزَّانِيَةُ بِزِيَارَتِهَا أَوْلِيكَ شِرَارُ أُمَّتِي لَا نَالَهُمْ شَفَاعَتِي وَلَا يَرِدُونَ حَوْضِي»

... ای اباالحسن. قطعاً خدای متعال قبر تو و فرزندان تورا وادی ویژه‌ای از وادی‌های بهشت و میانه‌ای از میانه‌های بهشت قرار داده و مسلماً خدای متعال دل‌های بندگان وارسته و برگزیده

را به سوی شما مایل و مشتاق قرار داده و آنها در راه شما رنج و سختی تحمل می‌کنند و قبرهای شما را بازسازی و آباد می‌کنند و برای تقرب و نزدیک شدن به خدای متعال و بخاطر دوستی و ارادت ایشان به رسول خدا ﷺ آنها را بسیار زیارت می‌کنند.

ای علی عَلِيٍّ اینها ایند کسانی که انتخاب شده و اختصاص داده شده‌اند به شفاعت ما و ایشانند کسانی که بر حوض کوثر من وارد می‌شوند و فردای قیامت ایشانند در بهشت زائران و همسایگان من.

ای علی هر کس قبرهای شما را آباد و تعمیر کند و در آنجا حاضر شود گویا حضرت سلیمان پسر داود را در ساختن بیت المقدس یاری نموده و هر کس قبور ایشان را زیارت کند معادل با ثواب هفتاد حج پس از حج واجب است. و از گناهانش رهائی می‌یابد به طوری که پس از بازگشت از زیارت مانند روزی می‌شود که از مادرش متولد شده بود.

یا علی بشارت باد بر تو و بشارت ده یاوران و دوستانت را به نعمت‌هایی که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ بشری خطور نکرده باشد اما گروهی از مردم که بی ارزش و پستند، زائرین قبور شما را سرزنش می‌کنند مانند سرزنش یک زن بدکاره. اینها بدترین و شرورترین امت من هستند، شفاعت من به ایشان نمی‌رسد، و ایشان بر حوض کوثر من وارد نمی‌شوند.^۱

۷. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَا عَلِيُّ مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي أَوْ زَارَكَ فِي حَيَاتِكَ أَوْ بَعْدَ مَوْتِكَ أَوْ زَارَ ابْنَيْكَ فِي حَيَاتِهِمَا أَوْ بَعْدَ مَوْتِهِمَا صَمِئْتُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ أَخْلِصَهُ مِنْ

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۲۲.

أَهْوَاهَا وَشَدَائِدِهَا حَتَّىٰ أَصْبِرُهُ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي^۱!

یا علی علیه السلام هر کس مرا در حیات یا بعد از شهادت زیارت کند یا تو را در حیات و یا بعد از شهادت زیارت کند یا دو پسرت را در حیات یا پس از شهادت زیارت کند من ضامنم که در قیامت او را از هول و هراس‌ها و سختی‌های آن روز نجات بخشم و او را همراه و در درجه خودم قرار دهم.

در نتیجه هر مؤمنی که خالصانه به زیارت مرقد شریف و مطهر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت طاهرینش مشرف بشود حتما از شفاعت آن حضرت در روز قیامت بهره‌مند خواهد شد، یعنی خداوند سرانجام کارش را به جانی (از ایمان و عمل صالح و...) می‌رساند که مورد شفاعت قرار گیرد و به بهشت مشرف شود زیرا این زیارت باعث توفیق و فراهم شدن اسباب هدایت و نجات می‌شود و کسری‌های مومن را جبران می‌کند.

زیارت از نگاه اهل بیت علیهم السلام

در این مورد روایات بسیار زیادی داریم و ما در این مختصر به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

۱. عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا لِمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَالَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْقَ عَرْشِهِ قَالَ قُلْتُ فَمَا لِمَنْ زَارَ أَحَدًا مِنْكُمْ قَالَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم^۲

زید شحام می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: چه پاداشی هست برای کسی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کند؟ آن حضرت فرمود: هر کس زیارت کند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را گویا خدای عزوجل را در بالای عرشش زیارت کرده، زید شحام

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۸.

۲. کافی، ج ۴، ص ۵۸۵.

پرسید: پس آنکه یکی از شما اهل بیت علیهم السلام را زیارت می‌کند چه پاداشی دارد؟ فرمود: مانند کسی است که خود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده باشد.

۲. عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَاءِ قَالَ سَمِعْتُ الرَّضَا عليه السلام يَقُولُ: إِنَّ لِكُلِّ إِمَامٍ عَهْدًا فِي عُنُقِ أَوْلِيَائِهِ وَشِيعَتِهِ وَإِنَّ مِنْ تَمَامِ الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَحُسْنِ الْأَدَاءِ زِيَارَةُ قُبُورِهِمْ فَمَنْ زَارَهُمْ رَغْبَةً فِي زِيَارَتِهِمْ وَتَصَدِيقًا بِمَا رَغِبُوا فِيهِ كَانَ أُمَّتُهُمْ شَفَعَاءَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۱.

حسن بن علی و شاء می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: مسلماً برای هر پیشوا و امامی برگردن دوستان و پیروانشان پیمانی هست و یکی از نهائی‌ترین نوع وفا به پیمان و خوب ادا کردن حق آن پیمان زیارت قبرهای آن امامان است. پس هر کس ایشان را زیارت کند از روی میل و رغبت به زیارت و از جهت میل و رغبت به مکتب و مرام و خواسته آنها، در روز قیامت پیشوایان و امامان شفیعان آنها خواهند بود.

اهمیت زیارت امیر مؤمنان علی علیه السلام

۱. قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أَخِيهِ جَعْفَرٍ عَنْ رَجَالِهِ يَزْعُمُهُ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ عليه السلام وَ قَدْ ذُكِرَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: إِنَّ مَارِدَ لِبَنِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مَا لَمْ يَنْ زَارِ جَدَّكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ « يَا ابْنَ مَارِدٍ مَنْ زَارَ جَدِّي عَارِفًا بِحَقِّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً مَقْبُولَةً وَ عَمْرَةً مَبْرُورَةً وَ اللَّهُ يَا ابْنَ مَارِدٍ مَا يُطْعِمُ اللَّهُ النَّارَ قَدَمًا إِنْ غَبَّرَتْ فِي زِيَارَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام مَا شِئَا كَانَ أَوْ رَاكِبًا يَا ابْنَ مَارِدٍ أَكْتُبُ هَذَا الْحَدِيثَ بِمَاءِ الدَّهَبِ^۲

راوی می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم، از امیرالمومنین علی بن

۱. کافی، ج ۴، ص ۵۶۷.

۲. تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۲۱.

ابیطالب علیه السلام یادی شد، ابن مارد از امام صادق علیه السلام سوال کرد: برای کسی که جد شما امیرالمومنین علیه السلام را زیارت کند، چه پاداشی هست؟ آن حضرت فرمودند: هر کس جدم را با معرفت به حق او زیارت کند، خدای متعال برای هر قدمش ثواب یک حج قبول شده و یک عمره خوب و پذیرفته شده می نویسد. به خدا قسم ای پسر مارد خدای متعال قدمی که در راه زیارت امیرالمومنین علیه السلام غبارآلود شده باشد را طعمه آتش قرار نمی دهد چه پیاده رفته باشد یا سواره. ای پسر مارد این حدیث را با آب طلا بنویس.

۲. إِسْمَاعِيلُ الصَّيْمَرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: «مَنْ زَارَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّةً وَ عُمْرَةً فَإِنْ رَجَعَ مَاشِيًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ»

اسماعیل صیمری از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمودند: هر کس پیاده به زیارت امیرالمومنین علیه السلام برود، برای هر قدمش خدای متعال ثواب یک حج و یک عمره می نویسد و اگر پیاده برگردد، برای هر قدمش خدای متعال ثواب دو حج و دو عمره می نویسد.

۳. عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي وَهَبٍ الْقَصْرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ أَتَيْتُكَ وَ لَمْ أَزُرْ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ بَسْ مَا صَنَعْتَ لَوْلَا أَنَّكَ مِنْ شِيعَتِنَا مَا نَظَرْتُ إِلَيْكَ أَلَا تَزُورُ مَنْ يَزُورُهُ اللَّهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ وَيَزُورُهُ الْأَنْبِيَاءُ وَيَزُورُهُ الْمُؤْمِنُونَ قُلْتُ جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا عَلِمْتُ ذَلِكَ قَالَ أَعْلَمَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَفْضَلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْأَيَّمَةِ كُلِّهِمْ وَ لَهُ ثَوَابٌ أَعْمَاهِهِمْ وَ عَلَى قَدْرِ أَعْمَاهِهِمْ فَضَلُّوا!

ابو وهب بصری گفت: وارد مدینه شدم و نزد امام صادق علیه السلام رفتم و گفتم:

فدایت شوم، خدمت شما رسیدم، اما قبر امیرالمؤمنین را زیارت نکردم. فرمود: بد کاری کردی. اگر از شیعیان ما نبودی به تو نگاه نمی‌کردم. آیا زیارت نمی‌کنی کسی را که خدای تعالی با همه فرشتگان او را زیارت می‌کند؟ همه پیامبران و اهل ایمان او را زیارت می‌کنند؟ گفتیم: فدایت شوم، این را نمی‌دانستیم. فرمود: بدان امیرالمؤمنین علیه السلام نزد خدا از همه امامان علیهم السلام برتر است و ثواب اعمال همه آنها برای او نیز منظور می‌شود و ائمه علیهم السلام به اندازه اعمالشان برتری داده شده‌اند.

زیارت امیرالمؤمنین در روز غدیر

عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ الرِّضَا عليه السلام وَ الْمَجْلِسِ غَاصٌ بِأَهْلِهِ فَتَدَاكُرُوا يَوْمَ الْغَدِيرِ فَأَنكَرَهُ بَعْضُ النَّاسِ فَقَالَ الرِّضَا عليه السلام حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ قَالَ: إِنَّ يَوْمَ الْغَدِيرِ فِي السَّمَاءِ أَشْهُرُ مِنْهُ فِي الْأَرْضِ إِنَّ لِلَّهِ فِي الْفُرْدُوسِ الْأَعْلَى قَصْرًا لَيْسَتْ مِنْ فِصَّةٍ وَ لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ ثُمَّ ذَكَرَ وَصَفَ ذَلِكَ الْقَصْرِ وَ مَا يَجْتَمِعُ فِيهِ يَوْمَ الْغَدِيرِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ مَا يَنَالُونَ مِنْ كَرَامَةِ ذَلِكَ الْيَوْمِ ثُمَّ قَالَ يَا ابْنَ أَبِي نَصْرٍ أَيُّنَمَا كُنْتَ فَاحْضُرِي يَوْمَ الْغَدِيرِ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، فَإِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ وَ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ ذُنُوبَ سِتِّينَ سَنَةً وَ يُعْتِقُ مِنَ النَّارِ ضِعْفَ مَا أَعْتَقَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَ لَيْلَةِ الْفِطْرِ...

محمد پسر ابونصر می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودیم و مجلس پراز جمعیت بود، آن‌گاه سخن از روز غدیر خم به میان آمد و بعضی از افراد آن سخن را خوش نداشتند. امام رضا علیه السلام فرمود: پدرم از پدرش نقل فرمود که آن حضرت یعنی امام صادق علیه السلام فرمودند: روز عید غدیر در آسمان مشهورتر است تا روی زمین. به درستی که برای خدا در فردوس اعلیٰ قصری است که یک خشتش

از نقره و خشت دیگرش از طلاست. آن‌گاه خصوصیات آن قصر را بیان کرد و فرمود که در روز عید غدیر چقدر فرشته در آن قصر جمع می‌شوند و از برکت و عظمت آن روز چه خیراتی نصیب آنان می‌گردد. سپس فرمود: ای پسر ابونصر هر جا بودی روز عید غدیر نزد امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ حاضر شو زیرا که خدای متعال برای هر مرد و زن مومن و هر مرد و زن مسلمان گناهان شصت سال را در آن روز می‌آمرزد و از آتش (جهنم) آزاد می‌کند دو برابر آن چه در ماه رمضان و در شب قدر و در شب عید فطر آزاد می‌کند...

آداب زیارت

آداب زیارت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ در جای خود مفصل بیان شده و در این مقدمه به اختصار به نکات ارزشمندی که در زیارت همه ائمه و حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و مشاهد مشرفه بکار می‌رود، می‌پردازیم.

مشاهد مشرفه، محل حضور انوار الهی و ارواح طيبة انبیاء و اولیاء الهی و صاحب آن مشهد، و ملائکه و بندگان خوب خداست و صاحب آن حرم مطهر شاهد زائرین خویش خواهد بود زیرا که «... بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزُقُونَ»^۱ «زنده اند و نزد پروردگار خویش متنعمند»، و زیارت، دیدار و ملاقاتی است که بین زائر و مزارع می‌شود و برای چنین دیداری باید آمادگی لازم فراهم شود و آداب خاص آن رعایت گردد. بی ادب محروم ماند از فیض رب.

بدین منظور:

۱- به قدر توان باید ظاهر و باطن زائر آراسته باشد، با قصد قربت و نیت

۱. سوره آل عمران: ۱۶۹.

خالص حرکت را آغاز نموده و هنگام حرکت بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَآلِ اللَّهِ وَآلِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَإِلَيْكَ قَصَدْتُ وَمَا عِنْدَكَ أَرَدْتُ.

و اگر زیارت پیامبر است بجای و الی ابن رسول الله بگوید و الی رسول الله و در زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام بگوید و الی ابن عم رسول الله و در زیارت حضرت زهرا علیها السلام بگوید و الی بنت رسول الله.

۲- در بین راه مشغول ذکر خدا باشد و از غفلت و گناه خود را مراقبت کند ذکر شریف تسبیحات اربعه خصوصا هنگام پیمودن مسیر تا حرم مطهر توصیه شده است.

۳- قبل از تشرف به حرم مطهر غسل زیارت و لباس پاکیزه و عطر بسیار سفارش شده است.

۴- قدمها را کوتاه برداشتن و با متانت پیمودن راه تا آستانه مقدسه و حرم مطهر نیز مورد سفارش است.

۵- علامه طباطبائی فرمودند: در طول مدت زیارت و اقامت در مشاهد مشرفه دلها را متوجه و متوقف کنید به نور و معنویت و باطن با عظمت آن عزیزی که به زیارتش مشرف شده‌اید.

۶- هنگام ورود به حرم شریف هر یک از حضرات علیهم السلام خودشان دستور به اجازه ورود گرفتن داده اند زیرا که خدای متعال فرمود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ﴾^۱ و این مشاهد همگی خانه های پیامبر

۱. سوره احزاب: ۵۳.

اکرم ﷺ محسوب می شوند. اجازه ورود از خدای متعال، از ملائکه و فرشتگان آن حرم مطهر و صاحب آن حرم لازم است.

۷- ذکر تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام و یا یکصد مرتبه الله اکبر هنگام ایستادن به سمت قبله و شروع زیارت وارد شده است.

۸- استفاده از زیارت‌هایی که متن آنها را خود ائمه علیهم السلام فرموده اند مانند زیارت جامعه کبیره که بسیار عالیست، و ...

۹- پس از هر زیارتی، نمازی دارد که دستور نمازها را از مفاتیح و زیارت مربوطه استفاده کنید و نماز زیارت بخوانید.

۱۰- پس از نماز زیارت دعاهایی که خود ائمه علیهم السلام فرموده اند برای بعد از زیارت‌ها خوانده شود و چقدر این دعاها بلند و ارزشمند است.

۱۱- دعا کردن به برادران و خواهران ایمانی، دعا را به اجابت نزدیک می‌کند، حال دعاگور را بهتر، و رحمت حضرت حق را بیشتر نازل می‌کند. پس به نیابت همه دوستان اهل بیت زیارت کن و برای همه آنها دعا کن.

در اینجا سخن دیگری از یکی از دوستان عارف و عاشق اهل بیت علیهم السلام دیده‌ام که بخشی از آداب زیارت را این‌گونه بیان می‌کند:

الف) هنگام ورود می‌گوئی: «وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ» یعنی: خدایا کاری کن با صدق پیش این آقا بروم و از پیش ایشان هم با صدق پیش شما بیایم.

ب) زود داخل نشوید، دم در توقف کنید و اذن دخول بخوانید تا رغبتتان

طلوع کند و قطره اشکی بر چشمتان بنشیند، اول دل را جلو بفرست، اشک نشانه این است که اجازه ورود داده‌اند.

ج) همان طوری که مردم در زمان حیات ظاهری به آنها سلام می‌دادند، شما هم اول به زبان فطری و مادری سلام کنید.

د) مراقب باشید زیارت‌نامه طولانی شما را از خود امام غافل نکند.

ه) در داخل صحن و حرم ائمه علیهم‌السلام احترام زائران و خدام را نگه دارید.

و) در حرم ائمه علیهم‌السلام سررا پائین بیاندازید و خوب گوش کنید. خواهید دید که ملائکه، انبیاء، اولیاء، زائرین همه و همه می‌گویند سلام، سلام، در آنجا هیچ سخنی جز سلام نمی‌شنوید (مانند بهشت قالوا سلاما سلاما)

ز) جمله‌هایی را که در حرم ائمه علیهم‌السلام گیرتان می‌آید حفظ کنید و روی آنها کار کنید.

ح) در حرم ائمه علیهم‌السلام به زائران خدمت کنید، دو سه قلم خدمت ممکن است کار هفتاد سال عبادت را بکند.

ط) اگر کسی در مشاهد مشرفه غافل باشد و غافلانه رفتار کند خیلی بدتر و ناپسند تراز غفلت در جاهای دیگر است لذا فرمودند (زُر فأنصرف) زیارت کن و بازگرد.

ی) سعی کنید وقتی به زیارت ائمه علیهم‌السلام مشرف می‌شوید با حُلق باز و دل راضی و خشنود از خدا وارد حرم شوید.

ک) وقتی خواستی به حرم‌ها بالاخص حرم امام حسین علیه‌السلام مشرف شوی تنها برو، و وقتی هم مشرف شدی حواست به دیگران نباشد و خودت تنهایی

با امام انس و ارتباط قلبی برقرار کن.

ل) در کربلا ابتدا در نهر حسینی که در نزدیک مرقد حضرت ابوالفضل علیه السلام است و از فرات جدا شده و آبش گل آلود است و تربت مخلوط دارد و آبش هنگام حرکت ناله می‌کند، غسل زیارت کنید و بعد به سوی حرم بروید.

م) با قدم‌های کوتاه و به آهستگی و بدون اینکه با کسی حرف بزنید و به اطراف توجه کنید به طرف حرم بروید.^۱

پیامها و پیامدهای زیارت

شیعه از فرهنگ دعا و زیارت و منابع بسیار غنی در این زمینه برخوردار است هیچ یک از فرقه‌های اسلامی این مقدار از ادعیه و زیارات بهره‌مند نیستند این نشان از چهره معنوی و عرفانی تشیع دارد و نوید بخش آن است که در این مذهب نسبت به خلوص دینی و تزکیه نفس بسیار اهمیت داده شده است و با این روش پیوند بین بندگان خدا با خدای خویش مستمر و مستحکم می‌شود و معارف بسیار بلند و وسیع و ارزشمندی در ضمن دعا و زیارت آموزش داده می‌شود. همچنین معرفت امت نسبت به خدای متعال و قیامت و حقایق و معارف دینی دقیق و صحیح می‌گردد. البته اهل بیت علیهم السلام بیشتر با دعاها به ارتباط با خدا و معرفت خدا و روابط بین بندگان با پروردگارشان پرداخته‌اند اما زیارت رسالت مهم دیگری دارد و آن تاکید بر مقام والای نبوت و امامت و رهبری اهل بیت علیهم السلام و حقانیت مذهب و مرام ایشان است. بیان

۱. مصباح الهدی، ص ۳۱۳ الی ۳۱۶، با اندکی تصرف.

فضایل اهل بیت علیهم السلام و عظمت و جایگاه آنان نزد خدا و نقش آفرینی ایشان در عالم هستی پیام دیگر زیارات می باشد. وانگهی زیارت اعلام برائت و بیزاریه از جبهه باطل و تایید حقانیت مکتب اهل بیت علیهم السلام است. آموزش مبارزه با ستم و ستمکاران از جمله پیامدهای دیگر زیارت است. زیارت دارای محتوای عمیق و آثار بسیار ارزنده‌ای است که در ابعاد اعتقادی، اخلاقی و تربیتی، سیاسی و اجتماعی به‌ویژه حقانیت و تداوم جبهه امامت و تقویت عنصر ولایت و برائت از دشمنان بر آن مترتب است.

سند زیارت غدیریه

ابن مشهدی در کتاب مزار می‌گوید:

أَخْبَرَنِي الْفَقِيهُ الْأَجَلُّ أَبُو الْفَضْلِ شَادَّانُ بْنُ جَبْرِئِيلَ الْقَمِّيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ،
عَنِ الْفَقِيهِ الْعِمَادِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ الطَّبْرِيِّ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ، عَنْ وَالِدِهِ، عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النَّعْمَانِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ جَعْفَرِ بْنِ قُوتُوْبِهِ، عَنْ مُحَمَّدِ
بْنِ يَعْقُوبَ الْكُلَيْبِيِّ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ بْنِ رُوحٍ وَ
عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدِ الْعَمْرِيِّ، عَنْ أَبِي مُحَمَّدِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ، عَنْ أَبِيهِ
صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا

اولین شخصیتی که این زیارت را نقل کرده است یکی از علماء قرن هفتم یعنی محمد بن جعفر معروف به ابن مشهدی است. ایشان کتابی دارند در موضوع ادعیه و زیارات که به زبان عربی تالیف شده است و اخیراً توسط انتشارات جامعه مدرسین قم تجدید چاپ شده است. در این کتاب جناب

۱. المزار الکبیر (لابن المشهدی)؛ ص ۲۶۳.

ابن مشهدی این زیارت را از سلسله سند بسیار خوبی نقل کرده‌اند. تمام رجال سلسله سند از شخصیت‌های موثق و جلیل‌القدر شیعه هستند و می‌توان گفت که این حدیث صحیح‌اعلایی است.

ابن مشهدی از فقهاء و محدثین مورد وثوق علماء شیعه است و جناب شیخ حرعاملی او را فاضل‌محدث و صدوق معرفی کرده است ابن مشهدی این زیارت‌نامه را از فقیه جلیل‌القدر شاذان بن جبرئیل قمی که از اندیشمندان موثق آن عصر بوده و نزد علما بسیار جلیل‌القدر معرفی شده‌اند نقل کرده، او از عماد‌الدین طبری نقل کرده که عماد‌الدین از علماء قرن ششم و فرزندی از خاندان علم و اجتهاد است. شیخ حرعاملی او را جلیل‌القدر، محدث و ثقه می‌نامد. او نیز از ابوعلی حسن بن محمد طوسی معروف به مفید ثانی فرزند شیخ طوسی نقل کرده است که مانند پدرش از اعظام فقهاء شیعه است و در علم رجال او را جلیل‌القدر و ثقه معرفی کرده‌اند و ایشان از پدرش جناب شیخ طوسی معروف به شیخ الطائفه نقل کرده که از نظر مجد و عظمت نیازی به گفتگو ندارد.

شیخ طوسی از جناب شیخ مفید رضوان الله تعالی علیه و ایشان از استادش ابن قولویه قمی نقل کرده که نجاشی آن جناب را از ثقات و اجلاء اصحاب حدیث و فقه می‌داند و ایشان از جناب مستطاب کلینی رحمه الله علیه نقل کرده و جناب کلینی از علی بن ابراهیم قمی صاحب تفسیر، که شخصیت بسیار مهم و بزرگ شیعه و از راویان احادیث اهل بیت است نقل کرده و علی بن ابراهیم از پدرشان ابراهیم بن هاشم که مورد وثوق همه علماء شیعه هستند و متصل به نواب خاص حضرت مهدی علیه السلام بوده از دو نفر از نایبان خاص

عثمان بن سعید و حسین بن روح رضوان الله تعالی علیهما نقل کرده است و آن دو بزرگوار این زیارت را از امام عسکری علیه السلام و آن حضرت از پدرشان امام هادی علیه السلام نقل کرده‌اند.

سلسله جلیله راویان این حدیث و زیارت برای همه دوستان اهل بیت علیهم السلام سند کاملی است تا بتوانند با اعتماد و اطمینان کامل از این زیارت استفاده کنند و به فرازهای مهم این زیارت در اثبات فضائل و مناقب امیرالمومنین علیه السلام و مظلومیت‌های آن بزرگوار استناد نمایند. از طرفی هم می‌بینیم که شخصیت‌های مهم شیعه به این سلسله سند اعتماد کامل نموده‌اند و آن زیارت را در کتاب‌های خود نقل کرده‌اند مانند شهید اول در کتاب مزار، علامه مجلسی در بحارالانوار و زاد المعاد و محدث قمی در مفاتیح الجنان.

موقعیت امام هادی علیه السلام و زیارت غدیریه

در سال ۲۳۴ هجری قمری به دستور متوکل عباسی ملعون توسط یحیی بن هرثمه امام هادی علیه السلام در سن ۲۱ سالگی از مدینه به شهر سامرا احضار شدند. شرایط سخت سیاسی حاکم بود. متوکل عباسی یکی از ظالم‌ترین خلفای بنی عباس که مغرور قدرت بلامنازع خویش گشته بود، تنها دغدغه آزار دهنده‌اش بنی هاشم و نهضت‌های علویان بود. او نسبت به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عناد و دشمنی سرسختی داشت. شیعه و محب اهل بیت علیهم السلام بودن در نظر او جرم سنگینی محسوب می‌شد؛ از طرفی والی مدینه نیز برای او نامه نوشت که اگر مکه و مدینه را می‌خواهی هرچه زودتر باید امام هادی علیه السلام را از شهر مدینه تبعید کنی چرا که در این دیار جمع زیادی از مردم

شیفته آن حضرت گردیده‌اند و احتمالاً امام مشغول تجهیز افراد خود برای قیام علیه بنی عباس است. نامه به دست متوکل رسید و احساس خطرکرد و تصمیم به تبعید امام از مدینه گرفت، اما او می‌دانست که امام هادی علیه السلام در سرزمین حجاز موقعیت بسیار مهمی دارند؛ به همین خاطر نامه‌ای با رعایت کمال ادب و احترام و ابراز محبت برای امام هادی علیه السلام نوشت. او می‌خواست که مردم مدینه را آرام کند و در ضمن امام هادی علیه السلام را تحت این عنوان که ما مشتاق زیارت شما هستیم به مرکز حکومتش سامراء دعوت کرد و نوشت که اختیار این سفر با شماست هر جا خواستید پیاده شوید و هر جا خواستید سوار شوید، فرستادگان من موظف به اطاعت شما هستند.

مأمورین متوکل با فرماندهی یحیی بن هرثمه به شهر مدینه آمدند و با آمدن آنها شهر آشوب و مردم ملتهب و نگران جان امام هادی علیه السلام شدند، یحیی بن هرثمه مجبور شد سخنانی کند و مردم را اطمینان خاطر بدهد که جان امام هادی علیه السلام در امان است و ما فقط ماموریم که آن حضرت را با کمال احترام به سمت سامراء ببریم. اما با وجود تمام این تدابیر امنیتی روزی که امام هادی علیه السلام حرکت کردند، مردم مدینه در بدرقه آن امام علیه السلام گریان و شیون کنان می‌آمدند و نگرانی و اعتراض خویش را ابراز می‌کردند.

سرانجام امام علیه السلام سه روز بعد از دریافت نامه متوکل با اکراه تمام به همراه یحیی بن هرثمه و مامورینش با اهل و عیال خویش از مدینه به سمت سامراء حرکت کردند.

در بین راه به شهر بغداد رسیدند، والی شهر بغداد به نام اسحاق بن ابراهیم با فرماندهان و رجال مملکتی به استقبال امام علیه السلام آمد و به یحیی بن هرثمه

گفت: این آقا فرزند رسول خدا است، با توجه به اخلاق متوکل اگر گزارشی بدهی که او تحریک شود امام علیه السلام را به قتل می‌رساند و تو در قیامت کارت با رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. او در جواب گفت: بخدا قسم جز خوبی از او چیزی سراغ ندارم. منش الهی امام علیه السلام و کراماتی که بین راه از آن حضرت ظاهر شد، یحیی بن هرثمه را دگرگون کرد تا حدی که به کفر خویش اعتراف نمود و از راه باطل بازگشت و شیفته و ارادتمند امام هادی علیه السلام شد. وقتی به سامراء وارد شدند، مردم استقبال بسیار خوبی از امام علیه السلام داشتند و او را ابن الرضا خطاب و خوش آمد می‌گفتند. وصیف ترکی که یکی از شخصیت‌های بنی عباس و فرمانده یحیی بن هرثمه بود نیز به استقبال آمده و به او اخطار کرد که اگر یک مواز سراین مرد کم شود تو بازخواست خواهی شد.

این خبرها حاکی از آن است که امام علیه السلام در میان خاص و عام مردم موقعیت مهمی داشتند و متوکل عباسی لعنت الله علیه از همین مطلب در هراس بود. راه و روش خلفای بنی عباس و بنی مروان و قبل از آنها بنی امیه و اربابان غاصب‌شان همین بود و پیوسته دو گزینه روی میز کار داشتند: یکی مبارزه با ائمه شیعه و دیگری مبارزه با شیعیان ائمه و سیاست دائمی این حکومت‌ها پیوسته برمدار این دو مطلب می‌گشت و از همه بنی عباس خطرناک‌تر متوکل عباسی بود که دشمنی دیرینه‌ای با اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان و پیروان آنان داشت. با آوردن امام هادی علیه السلام به آن دیار می‌خواست در صحنه‌های مختلف حرمت امام علیه السلام را بشکند و عظمت امام علیه السلام را در انظار مردم پایین بیاورد اما از آنجایی که ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْكَافِرُونَ﴾ یعنی عده‌ای می‌خواهند نور خدا را با سخنان بیهوده و نارواگویی خاموش کنند اما خدا نور خویش را تمام و کامل خواهد کرد، هرچند خوشایند کافران نباشد.

لذا در تمام صحنه‌ها مطلب به عکس می‌شد و روز به روز کرامت و عظمت امام هادی علیه‌السلام برای حکومتیان و اطرافیان و مردم آشکارتر می‌شد و آنان در مقابل متانت، سیادت، علم و کمالات امام درمانده می‌شدند و اینها خود مزید بر علت بود تا متوکل عباسی نسبت به امام هادی علیه‌السلام کینه و حسادت بیشتری بورزد. گاه با گستاخی آن حضرت را به زندان می‌انداخت و یا او را سخت تحت نظر می‌گرفت. قصه بر همین منوال می‌گذشت و شش نفر از خلفای بنی عباس از معتصم، واثق، متوکل، منتصر پسر متوکل، مستعین پسر برادر متوکل و بعد پسرش معتز در دوران امامت ۳۳ ساله امام هادی علیه‌السلام آمدند و رفتند و سیاست باطل همه آنها از همین قرار بود.

امام هادی علیه‌السلام که از طرف خدای متعال مأمور ترویج دین خداست، تمام این صحنه‌ها و بحران‌ها را تبدیل به فرصت می‌نمود و به ترویج مکتب اجداد طاهرینش که همان صراط الله المستقیم است، مشغول بود. احیای دین خدا قطعاً به واسطه اعمال و رفتار و شهادت‌ها و شجاعت‌ها و از خودگذشتگی‌های دوازده امام شیعه علیهم‌السلام انجام شده است و الا از خلفا و حکومت‌های ستمگر و غاصب و اعمال زشت و پلید آنان احیای دین انجام نمی‌گرفت و از مقر حکومت بنی امیه و اربابانشان و همچنین بنی مروان و بنی عباس خبری جز ظلم و ستم و فساد و تباهی و عیاشی و خوشگذرانی و میگساری چیز دیگری

بیرون نمی آمد و نتیجه سیاست آنها نابودی دین خدا و ترویج فرقه های باطل بود. قطعاً کسانی که نقش اصلی را در احیای دین خدا ایفا نمودند و حقایق قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله را در قالب های مختلف به مردم رساندند دوازده امام شیعه بودند و هستند.

امام هادی علیه السلام نیز در قالب های مختلف شاگردان و اصحاب و شیعیان زیادی را پرورش دادند. عده ای وکیل و گروهی محدثین و اصحاب حضرت بودند که امام علیه السلام با نامه نگاری ها و سخنان کوتاه و بلند و مطرح کردن مباحث اعتقادی راه و روش دین خدا را به آنان می آموختند و آنها نیز مروج مکتب اهل بیت می شدند. امام هادی علیه السلام نسبت به امر زیارت اهتمام ویژه ای داشتند، بالاخص نسبت به زیارت امیرالمومنین و اباعبدالله الحسین و جدش امام موسی بن جعفر و امام رضا علیه السلام و جد هاشم حضرت زهراء علیه السلام زیارت نامه و سفارش مخصوص دارند و با انشاء زیارت جامعه کبیره و زیارت غدیریه جامع ترین اصول عرض ادب را به همه دوستان اهل بیت آموختند.

راجع به زیارت جامعه کبیره همین بس که مورد اتفاق همه علماء شیعه هست و در مصادر مهم شیعه نقل شده است و علامه مجلسی در کتاب شریف بحار جلد ۹۹ صفحه ۱۴۴ می فرماید: زیارت جامعه از نظر سند صحیح ترین زیارت ها، از جهت محتوی عمیق ترین، از نظر لفظ فصیح ترین و بلیغ ترین و از نظر جایگاه پراچ ترین آنهاست. با این زیارت امام هادی علیه السلام راه گالین و زیاده گویان را بسته و مقصرین را هم بیدار نموده است تا توجه به عظمت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند، بیراهه رفتگان را رسوا و راه یافتگان را راهنمایی کرده است. حسودان منکر را محکوم و دوستان مشتاق را غرق نور

محبت اهل بیت علیهم السلام می‌کند، راه و روش جدانشدگان از اهل بیت علیهم السلام را ابطال و حقانیت راه اهل بیت علیهم السلام را اثبات می‌کند. از بلندترین مقامات ناگفته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام پرده‌برداری نموده، فضائل بیکران آنان را در قالب کلمات می‌گنجانند تا هر تشنه معرفتی به اندازه فهم و درک خویش از این کوثر بیکران اهل بیت علیهم السلام سیراب شود.

ویژگی‌های زیارت غدیریه

اما دومین زیارت مهمی که امام هادی علیه السلام انشاء فرمودند زیارت غدیریه است. امام علیه السلام با تمام آن شرائط سخت در سال نخست تبعیدشان به سامرا روز عید غدیر به زیارت مرقد مطهر جد بزرگوارش امیرالمومنین علیه السلام مشرف شدند و ضمن گرمی‌داشت عید غدیر با این زیارت‌نامه بسیار بلند آن حضرت را زیارت کردند و با دقتی حکیمانه و به حسب ظاهر غیر متعرضانه این زیارت را انشاء فرمودند.

سالها بود که افکار توده مردم توسط معاویه بر علیه امیرالمومنین علی علیه السلام آلوده شده بود و تمام فضائل و مناقب و فداکاری‌های آن حضرت را مردم فراموش کرده بودند، نسبت آن حضرت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جایگاه و موقعیتش در میان اهل بیت علیهم السلام را نادیده می‌گرفتند و با تبلیغات مسموم مدت‌ها امیرالمومنین علیه السلام را نفرین می‌کردند و اهل بیت علیهم السلام و شیعیان‌شان در تقیه بودند. فعالیت‌های متوکل هم که سرشت و طینت کفرپیشه‌ای داشت با دار و دسته حکومتیان همه بر خلاف مسیر امامت اهل بیت علیهم السلام بود، برنامه‌ریزی اصلی خلفا در جهت حذف و منزوی کردن جانشینان به حق پیامبر علیهم السلام از صحنه سیاسی و فرهنگی جامعه اسلامی بود.

امام هادی علیه السلام توانست با شهامت و کرامت تمام با استناد به تنزیل و تأویل بیش از پنجاه آیه از آیات قرآن و تعداد زیادی از روایات نبوی مقامات بلند و جایگاه باعظمت جدش امیرالمومنین علیه السلام را نزد خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آسمان و زمین در ضمن این زیارت نامه آشکار نماید و با زیرکی تمام توانستند زندگانی آن حضرت را که پراز فضیلت ها و شجاعت ها و فداکاری در راه خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله بود را مرور کنند و سیره و صفات حسنه و همه فراز و نشیب های زندگی آن حضرت را در ضمن این زیارت بیان فرمایند و حقانیت آن حضرت را در تمام این مراحل روشن کنند.

اهمیت ذکر علی علیه السلام و بیان فضائلش بر کسی پوشیده نیست و از طرفی موضوع ولایت آن حضرت و برائت از دشمنانش که دو مدار اصلی دین خدا بوده و هست و پیوسته مورد تاکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده را امام هادی علیه السلام مدنظر گرفته و به استناد فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمودند: **التَّظَرُّ إِلَى عَلِيٍّ عِبَادَةٌ وَ ذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ إِيمَانَ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَ التَّبَرُّاءَ مِنْ أَعْدَائِهِ**؛ یعنی نگاه به علی علیه السلام و ذکر و یاد او عبادت است و ایمان هیچ بنده ای نزد خدا پذیرفته نیست جز به ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنانش.

امام هادی علیه السلام نمای کلی این زیارت نامه را بر همین محور استوار فرموده و روح کلی این زیارت را تولی و تبری قرار داده است و باطل بودن سخنان منافقان کوردل و غاصبان فریبکار را آشکار ساختند. امام علیه السلام ضمن ابلاغ سلام و صلوات خدا و همه فرشتگان و بندگان صالح خدا بر جدشان، فتوحات مهم صدر اسلام که همه به نام آن بزرگوار ثبت است، را یاد می کند و سرانجام پرده

۱. نهج الحق و كشف الصدق، ص ۲۳۲.

از چهره منافقین غاصبی که برای رسیدن به مال و ریاست دنیا به حضرت زهرا علیها السلام و فرزندانش جسارت کردند و حق امیرالمومنین علیه السلام را غصب و فدک و میراث پیامبر صلی الله علیه و آله را به تاراج بردند، کنار زده، فرازهایی از مظلومیت‌های جد بزرگوارش را گوشزد می‌کند و در پایان اعلان می‌فرماید که چنین افرادی سزاوار لعنت خدایند: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ مَجْدَ لَهُ نَصِيرًا﴾^۱ یعنی اینان کسانی هستند که خدا آنها را لعنت کرده و هر کس را خدا لعنت کند، دیگر هیچ یآوری نخواهد داشت. تمام پیروان راه حق بدانند کسانی که در قرآن توسط خدای متعال مورد لعنت قرار گرفته‌اند، مورد لعنت همه انبیاء و اولیاء و فرشتگان نیز هستند و باید توسط مومنین نیز لعنت و نفرین شوند.

نکته شایان ذکر اینکه چون تاریخ پیوسته تحت تاثیر طمع و ترس از قدرت‌ها و حکومت‌ها و انحرافات فکری و عقیدتی نگاشته شده است و با گذشت زمان طولانی و حوادث پیش آمده تا حد زیادی اعتبار لازم را از دست داده است؛ لذا این زیارت با توجه به سند صحیح و محکم آن می‌تواند مستند خوب و مطمئنی برای اثبات بسیاری از مطالب عقیدتی شیعه قرار بگیرد.

۱. سوره نساء: ۵۲.